

روش‌های فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی، روش‌های کهن و نوین

شرکت‌کنندگان:

۱. استاد دکتر علینقی منزوی: نسخه‌شناس و فهرست‌نگار نسخ خطی
۲. استاد عبدالله انوار: نسخه‌شناس و فهرست‌نگار نسخ خطی
۳. استاد احمد منزوی: نسخه‌شناس و فهرست‌نگار نسخ خطی
۴. آقای دکتر فریدون آزاده: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
۵. خانم فریبا افکاری: بخش نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
۶. آقای دکتر محسن جعفری مذهب: کتابخانه و مرکز اسناد ملی
۷. آقای محسن حاجی زین العابدینی: مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی
۸. حجة الاسلام حافظیان بابلی: کتابخانه بزرگ‌آیة الله مرعشی نجفی (ره)
۹. آقای احمدرضا رحیمی ریسه: مدیر نشر فهرستگان (دست‌نویس)
۱۰. آقای دکتر حبیب الله عظیمی: بخش نسخ خطی کتابخانه و مرکز اسناد ملی
۱۱. آقای ابراهیم عمرانی: دانشکده علوم دانشگاه تهران
۱۲. آقای پاکتوش صفیاری: شرکت نوسا
۱۳. آقای ناصر گل‌باز: مدیر طرح فهرستگان مشترک نسخ خطی (نماینه)
۱۴. آقای داود محمدی فر: شرکت پارس آذرخش
۱۵. خانم اکرم مسعودی: کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران
۱۶. آقای افشین موسوی چلک: کتابخانه مجلس شورای اسلامی

سرفصل‌های این میزگرد عبارت است از:

۱. تفاوت روش‌های فهرست‌نگاری قدیم و جدید نسخ خطی در چه عناصری است؟
۲. ضرورت تدوین معیارها و قوانین فهرست‌نگاری برای فهرست نویسان
۳. امکان سنجی استفاده از کاربرد فهرست‌نویسی نسخ خطی.
۴. تفاوت فهرست‌نگاری شرقی و غربی (اروپایی و ایرانی) و تحلیل عناصر آن.
۵. مشکلات و راهکارهای تطبیقی فهرست‌نگاری نسخ خطی و ماشینی کردن آن.
۶. استانداردهای عناصر و اجزای فهرست‌نویسی.

افکاری: در دو نشست تخصصی قبلی «طرح تملک نسخ خطی» و «آموزش نسخ خطی» مورد بررسی قرار گرفت و در این نشست در خدمت اساتید بزرگوار، متخصصان نرم‌افزارهای مختلف و علاقه‌مندان به نسخ خطی و محققان گرامی به «روش‌های فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی، روش‌های کهن و نوین» می‌پردازیم.

فهرست‌نویسی و کتابداری امروزی ادامه سنت کتابداری و فهرست‌نویسی گذشته‌ماست که با اندکی تغییرات و تفاوت‌ها به راه خود ادامه می‌دهد. ضرورت امروز جامعه ما باعث ایجاد برخی تغییرات در این حوزه شده است. در این نشست قصد داریم تا با حضور اساتید گرامی و پیش‌کسوت کسوتان فهرست‌نگاری نسخ خطی و نیز متخصصان حوزه کتابداری و علوم اطلاع‌رسانی به برخی مشکلات موجود ماشینی کردن، ورود اطلاعات و اشاعه اطلاعات نسخ خطی بپردازیم، شاید نتیجه پیشنهادی این جلسه بتواند راهکاری برای استفاده نسل جدید از این نسخ فراهم آورد.

از نخستین فهرست منتشر شده توسط مرحوم اکتایی یا اعتصام‌الملک در کتابخانه مجلس بیش از ۸۰ سال می‌گذرد. استاد علینقی منزوی شما که یکی از پیش‌کسوتان فهرست‌نگاری نسخ خطی بوده‌اید. با توجه به تعدد فهرست‌های منتشر شده، تا چه حدی روش‌های فهرست‌نویسی قدیم و عناصر نسخ‌شناسی و کتاب‌شناسی گذشته را با اصول فهرست‌نگاری جدید متفاوت می‌بینید؟ چه عناصری اضافه شده و باید اضافه شود تا این روش تکمیل گردد.

دکتر علینقی منزوی: از زمانی که فرهنگ اسلامی ایرانی در قرن سوم هجری شکل گرفت، فهرست‌نویسی رواج یافت و بزرگان ماکه نامشان در تاریخ مانده، پایه‌گذاران فهرست‌نویسی هستند. مقاله تاریخ



استاد علی‌نقی:

ولی از قرن سوم و چهارم و هنگامی که علم به صورت عربی نگارش یافت و در اختیار اسلام ایرانی یعنی تشیع قرار گرفت. نسخه‌شناسی پدیدار شد و جزئیات آن در مقاله تاریخ فهرست‌نویسی بنده در یادنامه مرحوم صدیقی به چاپ رسیده است.

فهرست‌نویسی بنده در یادنامه مرحوم صدیقی به چاپ رسیده است. اکنون محتویات آن را به خاطر ندارم. تنها می‌دانم که از قرن سوم به بعد فهرست‌نویسی رواج می‌یابد. این فهرست‌ها قبل از آن که به صورت کتاب درآید به صورت اجازات بود. اجازه تاریخ جداگانه‌ای دارد که وارد آن بحث نمی‌شویم. اجازه شبیه به باقی مانده از معذوریت پیشرفت علم است، زمانی علم بشر محدود بود و برای همین کسانی که می‌خواستند در رشته‌ای پیشرفت کنند باید اجازه می‌گرفتند. به صورتی که کتاب‌های قرن سوم و چهارم را جزو اجازه‌ها محسوب کرده‌اند. یعنی به مجاز اجازه داده می‌شود که روی این کتاب‌ها کار کند. بنابراین سابقه زیادی دارد و امروزه نیز اگر کتابی نوشته شود در مقدمه آن فهرستی از کتاب‌های قبلی و افرادی که روی آن موضوع کار کرده‌اند، آورده می‌شود.

افکاری: استاد در مقایسه با فهرست‌نویسی که شما در مورد کتاب‌های استاد مشکات در دانشگاه تهران چاپ کرده‌اید، فهرست‌های جدید چه عناصری از فهرست‌نویسی را مورد توجه قرار داده‌اند که قبلاً کمتر به آن می‌پرداختند؟ چه بخش‌هایی از نسخه‌شناسی و کاغذشناسی و یادداشت‌ها مورد توجه قرار می‌گرفت؟

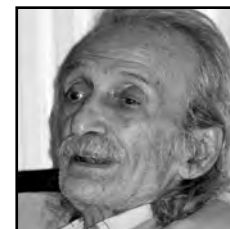
استاد علی‌نقی منزوی: اخوی بنده بیشتر در زمینه نسخه‌شناسی فعالیت کرده‌اند و بیشتر در این مورد می‌توانند، نظر بدهند، ولی از قرن سوم و چهارم و هنگامی که علم به صورت عربی نگارش یافت و در اختیار اسلام ایرانی یعنی تشیع قرار گرفت، نسخه‌شناسی پدیدار شد.

افکاری: استاد احمد منزوی به نظر شما چقدر عناصر نسخه‌نویسی تغییر پیدا کرده است؟ و تا چه حد تغییرات رخ داده در آن لازم است؟

استاد احمد منزوی: کار من در نسخه‌شناسی به صورت دیمی آغاز شد و هنوز نیز به همین صورت است. کار استادانم و حتی برادر بزرگترم که نخستین اثرش را در سال ۱۳۳۰ که فهرست جلد یکم دانشگاه است منتشر کرد، مربوط به ۵۳ سال قبل است. استاد دانش‌پژوه هم کار را خودشان منتقل کردند که کار را علمی شروع و اصولی را مراعات کردیم، یعنی کار به صورت کلاسیک و مرتب نبوده است و به تدریج تکامل یافت. سال ۱۳۳۵ شروع کار من بود و تا به امروز که نزدیک به نیم قرن می‌گذرد دیگر تغییری در کارم ایجاد نشده است. اخیراً آکار مدرن و نمونه دست‌نوس‌های خطی فارسی، کار استاد افشار برای من نمونه است که بعد از مدت‌ها این نمونه کار به صورت مشخص عرضه شده است.

که به صورت کلاسیک است و می‌توانیم آنها را در رایانه استفاده کنیم.

امروز می‌توانم وعده دهم که جلد‌های آینده من نیز به همان شکل قبلی تنظیم می‌شود. ویژگی تکاملی این



استاد احمد منزوی:
سال ۱۳۳۵ شروع کار من بود و تا به امروز که نزدیک به نیم قرن می‌گذرد دیگر تغییری در کارم ایجاد نشده است. اخیراً کار مدرن و نمونه دست‌نویس‌های خطی فارسی، کار استاد افشار برای من نمونه است امروز می‌توانم وعده دهم که جلد‌های آینده من نیز به همین شکل تنظیم می‌شود

بود که اوائل در فهرس تمام اطلاعات کتاب‌شناسی را مطرح می‌کردند. برادرم دربارهٔ نهج البلاغه مقاله مفصلی نوشته‌اند و نسخه‌ها را با یکدیگر تطبیق و کاری اساسی انجام داده‌اند ولی فهرست‌نگاری نیست. من تصور می‌کنم آن زمان چاره‌ای نبود و راه همین بود.

فهرست‌نویسی کم‌کم به جایی رسید که ترکیب عناصری مانند: نام کتاب، نام مؤلف، مهدی‌الیه و... فصول کتاب، سطر بندی آن تا سر آغاز کتاب و... اینها جزء کتاب‌شناسی قرار گرفت و بعد نسخه‌شناسی و نوع خط آن افزوده شد که قبلاً نسبت به آن آشنایی کاملی نداشتم و هنوز هم ندارم. تا بالاخره به شکل امروزی درآمد، ولی کار آقای افشار دارای این امتیاز است که راجع به مؤلف یک سطر می‌گوید: مثلاً در مورد عبدالرحمن جامی، زندگی حیات و مرگ او، مطلب نوشته شده است. دیگر هیچ. چون لازم نیست. دربارهٔ کتاب هم یک سطر نوشته است. مثلاً در مورد پنج گنج نظامی لازم نیست که در مورد تک‌تک اشعار به این اشاره کند که آن شعر را در فلان سال و به نام فلان امیر نوشته شده، زیرا تکرار مطالب است. ایشان بیشتر به خود نسخه پرداخته‌اند، یعنی بین‌الدفتین به قول استاد انوار زیاد به آن پرداخته‌اند. ما سر آغازها را بسیار کوتاه نقل می‌کردیم به عنوان این که نشانه و نمونه‌ای از کتاب داشته باشد، مانند اثر انگشت انسان که نمونه کار هست.

در حالی که ایشان بسیاری از قسمت‌های کتاب را آورده‌اند و این به نظر من کاری جدید و قابل توجه‌ای است به این معنا که به ذکر انشای نویسنده و عناصر مهمی که در مقدمه می‌آید، می‌پردازد. آقای افشار نام مؤلف و مهدی‌الیه و موضوع کتاب را به تفصیل بیان می‌کنند و این کار درستی است. در مورد انجام کتاب‌ها، من در فهرست‌هایی که تهیه می‌کردم «انجامه‌ها» را نمی‌آوردم چون آنها نشانه کتاب نیستند. در انجامه نشانه‌ای از کتاب نیست بلکه نشانه‌ای از نسخه و کاتب است و این هم توجه مرا جلب کرده است. آقای افشار پیش قدم شدند و این کار را کردند و حالا من دلم می‌خواهد که این کار را انجام دهم.

افکاری: فکر می‌کنم شما این کار را کرده‌اید، با مقایسه برخی از فهرس شما از فهرست مشترک هند و پاکستان گرفته تا فهرست‌های دیگر به خصوص دو فهرست اخیر شما که در مورد نسخ خطی مرحوم سلطانعلی بهبهانی و خاندان ابراهیمی کرمان است به نظر می‌آید که شما به رویکرد جدیدی رسیدید. مثلاً استفاده از آوانگاری نام کتاب، استفاده از همان اختصاراتی که می‌فرمایید یا نزدیک شدن به همین روشی که استاد افشار در این فهرست داشتند از جمله نمایه‌ها یا پیوست‌هایی که در انتهای فهرس هست و یا نمایه‌هایی از سجع مهرها و نام کاتبان. علاوه بر پیوست‌های مفید دیگری که نشان دهندهٔ این است که خود شما هم تلاش کرده‌اید که باروش جدیدتری فهرستان را کامل کنید.

استاد احمد منزوی: من این کار را شروع کرده‌ام و سعی می‌کنم آن را به نقطهٔ قابل قبولی برسانم ولی هنوز با کار استادان دیگر تفاوت دارد، اما قول می‌دهم از این به بعد خلفی برای استاد افشار باشم. هر چند کار ما مشکلی دارد، ما ارباب داریم و ارباب ما به ما توصیه‌هایی می‌کند. جلد اول فهرست سلطان علی بهبهانی شیخ الاسلامی به دست ویراستار مرکز رسید حدود یک سال و نیم طول کشید تا این کتاب را ویرایش کردند. به من گفتند تیری را رها کردی دیگر رفت، باید ببینی آخرش به کجا می‌رسد که البته دچار اشتباه بزرگی هم شدند. یکی از کتاب‌های سهروردی را نوشتیم و چاپ شد. بعد از ویرایش نام مؤلف را ناشناس نوشتند.

در صورتی که در مجموعه متذکر شده بودم که متعلق به سهروردی است. این ناشناسی که می‌گوید من در دربار فلان هستم، سهروردی است. و این زمانی بود که دریافتیم جلد اول کار مستقلاً است. البته کار دائرةالمعارف بر کارهای انتشاراتی مقدم است و من گفتم باید آزاد باشم. آنها قبول کردند اما گفتند باید درست مانند سبک جلد اول باشد و این برای من محدودیت ایجاد کرد و مجبور شدم این سبک را ادامه بدهم تا به حال هم همین است. سعی من بر این است که با کمک استاد افشار راهی بیابیم که مجلدات دیگر از آن قیود خارج شود. ما قیدهایی زیادی داریم.



استادسید عبدالله انوار:
من مخالف نیستم رایانه باید
باشد همان طور که گفتم شما
در هر کتابخانه‌ای دو فایل
بگذارید یکی فایل‌های
رایانه‌ای و یکی مفصل که
بنده می‌گویم ولی اینکه به
طور کلی، ما نباید گذشته
خودمان را فدای تکنولوژی
بکنیم که هنوز معلوم نیست
صحیح نیست یا هست ما
کسی را می‌خواهیم که در
کارش عمق داشته باشد.

درست است که به من استقلال دادند، ولی استقلال محدود است به این معنا که باید مانند جلد یکم باشد که از ویرایش دائرةالمعارف است.

افکاری: استاد در این ویرایش چه عناصری را نمی‌پسندید یا شما را محدود می‌کند؟

استاد احمد منزوی: طول کشیدن و دست بردن در کار، مانند همان کتاب سهروردی که ناشناخته اعلام شد. در صورتی که من اوایل مطلب این را به صورت ناشناخته مطرح کردم به این دلیل که نام مهدی‌الیه در هیچ یکی از نسخه‌ها نبوده است. جز در این که قدیمی‌ترین نسخه است اسم مهدی‌الیه آمده است و این مهدی‌الیه بیست سال قبل از زمان سهروردی است و این نشان می‌دهد که او در شهر دیگری از عثمانی در استانی امیر بوده است و این کتاب را به نام اوساخته است. در صورتی که سهروردی از هم‌عصران بعد از اوساخته می‌شود.

اشکالاتی هست که من تا آخرین غلطگیری در آنها دست می‌برم، ولی به هر حال برای من مشکل است که ویرایش‌گر فرد دیگری باشد. البته ویرایش‌گر هم باید صلاحیت داشته باشد، مثلاً ویرایش را به آقای رحیمی ریسه نمی‌دهند، بلکه به کسی که ناشی‌تر از خودم است، واگذار می‌کنند.

افکاری: به نظر می‌رسد توجه نسل جدید فهرست‌نویسان، در تأیید فرمایش استاد منزوی که فرمودند شاید نیاز بیشتری به این که امروزه به عناصر نسخه‌شناسی توجه شود وجود دارد بیشتر شده است. به دلیل اینکه حداقل می‌توانیم بگوئیم نسبت به گذشته تعداد کتاب‌های ناشناخته کمتر است. استاد انوار می‌خواهم نظر شما را در این باره بدانم.

استاد عبدالله انوار: من معتقدم که فهرست‌نگار مانند یک متخصص شیمی است که در یک لابراتوار کار می‌کند، یک شیء را به او عرضه می‌کنند و او باید در مورد آن شیء نظریه‌اش را بدهد. هنگامی که یک کتاب به دست یک فهرست‌نگار می‌رسد باید آن کتاب را بخواند و آن چیزی را که از آن برداشت می‌کند عرضه کند، در نتیجه یک کتاب ممکن است مورد بحث مفصل فهرست‌نگاران قرار گیرد. به طوری که من اکنون که کار آقای حاج خلیفه را می‌خوانم در خیلی جاها با او اختلاف نظر دارم. در حالی که اگر می‌خواستم نسبت به کار آقای حاج خلیفه مانع شوم اینست و از این کارهایی که جدیداً در فهرست‌نگاری انجام می‌شود بدون این که کتاب را بخوانند و ر. ک (رجوع شود به کتاب) بدهند. من از مخالفین این کار هستم. برای این که کتاب باید به دست فهرست‌نگار داده شود تا آن را بخواند و نظریه‌اش را بدهد و این مسأله شناخته‌شده است. به عنوان نمونه قرار است برای هندسه بوعلی سینا مطلبی بنویسم.

هندسه‌ای که به دست بوعلی رسیده از چند نسخه متعدد بوده است و خود شیخ هم در آن دست برده است. حالا فرض کنید من بگویم مثلاً برای فلان قضیه ر. ک، حاج بن یوسف که اولین مترجم این فهرست بوده است، غلط است برای اینکه بوعلی آن قدر آنجا عقایدش را اضافه کرده و راه حل‌های جدید داده است که واقعاً قابل عرضه کردن به محافل علمی است به طوری که این کار را خواهیم کرد. پس اگر من بخواهم به ر. ک قانع شوم و ارجاع بدهم این مسائل از دست می‌رود. به همین دلیل است که من معتقدم این فهرست‌نگاری جدید چون گرفتار رایانه است و رایانه هم مثل هر چیز ماشینی محدودیت‌های زیادی ایجاد می‌کند، زیرا رایانه نشانه‌های خاصی دارد که آن نشانه‌های باید پیاده‌شده که البته این با فهرست‌نگاری قدیم تفاوت دارد. روزی هم که ما کارمان را در کتابخانه ملی شروع کردیم گروهی فهرست‌نگار بودند. مرحوم مینوی، مرحوم دانش پژوه و آقای ایرج افشار و چند تن دیگر همه با هم فهرست می‌نوشتند و عناصر مختلف فهرست‌نگاری را آنجا پیاده می‌کردند، یک بخش کتاب‌شناسی هم داشتیم و ملزم کرده بودیم که کتاب را بخوانیم. بر سر همین موضوع من با مرحوم دانش پژوه اختلاف پیدا کردم، چون ایشان اعتقاد داشتند باید سریع نوشت و رد شد ولی من می‌گفتم باید اول کتاب را بخوانیم و بعد از آن که خوانده شد عصاره آن را بگیریم و در فهرست عرضه کنیم. نمونه آن جنگ‌هاست.

جنگ به نظر من بهترین کتاب است که در فهرست‌نگاری نوشته می‌شود، زیرا نویسنده جنگ انسان



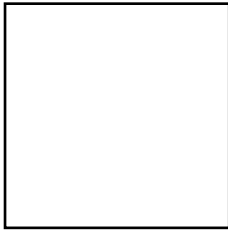
افکاری :
فهرست نویسی و کتابداری
امروزی ادامه سنت
کتابداری و فهرست نویسی
گذشته ماست که با اندکی
تغییرات و تفاوت‌ها به راه
خود ادامه می‌دهد.
ضرورت امروز جامعه ما
باعث ایجاد برخی تغییرات
در این حوزه شده است.
ضرورت تهیه فهرست
رایانه‌ای، تدوین
سرفصل‌های موضوعی
نسخ خطی و معیارهای
مشخص کتاب‌شناسی و
نسخه‌شناسی از اهم
نیازهای فهرست نگاران
امروزی است که حتماً
می‌باید با مشورت و نظارت
اساتید نسخه‌شناسی
تهیه و منتشر گردد.

فره‌یخته‌ای است که عناصر علمی را از جاهای دیگر گرفته است و در فهرست می‌گذارد. به عنوان مثال قاعده‌ای بود که یک اصل بزرگ فلسفی است و در فیزیک هم کاربرد دارد و آن قاعده «کل ما، بالعرض انتهی... ما به ذات» است. ولی جدیداً لیختن اشتاین جواب مفصلی به آن داده است که فعلاً بماند من دیدم مخالف این قاعده در یک جنگی بود اگر من می‌خواستم بنویسم جنگ، عناصر ناشناخته آن چگونه برگزار می‌شد؟ چگونه به مخاطب گفته می‌شد؟ از این جهت است که مثلاً برای جنگی ۱۴ صفحه نوشتم. سطر به سطر و صفحه به صفحه اش را باید خواند از سطر اول تا آخر فهرست آقای ایرج افشار هم که مال وین (اتریش) است به من دادند من با آقای افشار هم مخالفم، به خود ایشان هم گفتم ایشان نسخه را خوب معرفی نکردند. نسخه باید خوب معرفی شود. کتاب‌شناسی از واجبات فهرست‌نگاری است. محال است که کتابی شناخته شود، فهرستی باشد و کتاب‌شناسی آن گفته نشود. البته این را قبول دارم که سابقاً که ما از غربی‌ها تقلید می‌کردیم راجع به شرح حال مؤلف کتاب چهار صفحه مطلب می‌نوشتند که این درست نیست باید شرح حال مؤلف را به قول آقای منزوی به اسم و فامیل و شهرت و تاریخ تولد و مرگ مؤلف مختصر کرد، مانند کارهایی که آقای قزوینی می‌کرد. علت آن هم واضح است چون تغییر کمیت تغییر کیفیت می‌آورد وقتی کمیت کتاب یک نسخه است من چگونه می‌توانم آن کتاب را همان گونه‌ای معرفی کنم که یک کتاب چاپی را معرفی می‌کنم. کتابی که ۴۰۰۰۰ یا ۵۰۰۰۰۰ یا در کشور ما ۴۰۰۰ نسخه از آن چاپ می‌شود. پس کتاب یکی است و ناچار باید تا آن جایی که می‌توان در آن فهرست مطالب و عناصر لازم فهرست‌نگاری را قید کرد. اما از کتاب‌شناسی بروی نسخه‌شناسی گذرمی‌کنم. نسخه‌شناسی هم خیلی مهم است. من در نشریه نامه بهارستان دو مقاله داشتم. وقتی در یک نسخه خطی فهرست داده می‌شود تمام هنرهای روز در آن هست یکی از آن هنرها صحافی کتاب است. صحافی قدیم کاملاً با صحافی جدید متفاوت است و من آن روز هم به خانواده «لانکامر» گفتم که بسیار خوب کار می‌کنید، ولی بگذارید ۴۰۰ سال بگذرد. بنیم کارتان چگونه است. در حالی که ما کتابی هم در کتابخانه ملی داشتیم که زیر نظر آقای دکتر عظیمی است - که متعلق به ۷۰۰ سال پیش است. در حالی که این فهرست‌ها و صحافی‌های جدید با این همه عناصری که از لحاظ چسب و دوخت و... دارند و یا بعد در دوخت کتاب توری دوزی و راسته‌کاری داریم خوب باقی مانده است.

از این که این اصطلاحات را می‌گویم معذرت می‌خواهم. توری دوزی چه خاصیتی داشته برای چه کتاب‌هایی بوده است راسته‌کاری برای چه کتاب‌هایی بوده است و اینکه مقاومت کاغذ چه قدر است؟ چگونه باید آن را دوخت و به آن چسب زد و چسب زدن به آن چگونه است؟ اینها مطالبی است که باید در فهرست نویسی، البته در نه قسمت کتاب‌شناسی بلکه در قسمت نسخه‌شناسی در نظر بگیریم. اینکه جلد کتاب چگونه بوده است؟ چرم آن را چه کار کردند؟ مثلاً چرم کردن کتاب آسان نبوده است، باید آن چرم را ۱۲ مرتبه می‌شستند مخصوصاً چرم‌هایی که از یمن وارد می‌شد چون به این چرم‌ها روغن‌هایی می‌زدند که باعث می‌شد چرم چسب را قبول نکند و به مجرد اینکه می‌چسباندند در می‌آمد و صحاف باید آن را می‌شست و آبگیری می‌کرد و برای امتحان کردن آن، آب پشت چسب آن قرار می‌داده است، اگر آن قطرات آب روان می‌شد نشانه این بوده است که چرم خوب از کار درآمد، ولی اگر روان نمی‌شد و باز به صورت قطره بر روی آن قرار می‌گرفت معلوم می‌شد که آن چرم هنوز آغشته به روغن است و اینها تماماً هنرهایی است که باید بازگوشود.

افکاری: استاد این موارد در کدام بخش از فهرست نویسی یک نسخه باید ذکر شود؟

انوار: در نسخه‌شناسی. وقتی شما جلد را شرح می‌دهید باید چرم آن را توضیح دهید در مورد واژه «دف» که جمع «دوف» است و یک واژه عربی است اختلاف نظر وجود دارد به نظر من منظور از آن «آستر بدرقه» است. برخی‌ها می‌گویند «لت» به آن می‌خورد در فرهنگی هم نیست و ما در حال حاضر بروی همین مسأله بحث داریم. بنابراین کار نسخه‌شناسی شوخی بردار نیست. البته می‌توان کمیت آن را درست کرد و در هر روز پنج فهرست منتشر کرد، ولی



این طور نیست فهرست کتاب باید هنر زمان را بشناساند من یک مقاله از سفیانی ترجمه کردم که در آن هنر نسخه‌شناسی و صحافی معرفی می‌شود. ۶، ۷ هنر در آن به کار می‌رفته است. برای مرکبی که با آن می‌نوشتند زحمت فراوان می‌کشیدند یا برای طلاکاری.

برای ذوب کردن طلا باید از عسل آب شده استفاده می‌کردند در کتاب شیمی خواندم یکی از موادی که می‌تواند طلا را ذوب کند عسل است. تازه بعد از این کار که عسل را داخل طلاکاری ریختیم و خواستیم طلاکاری را بر روی کتاب ببریم عسل به آن می‌چسبد بعد با زحمت فراوان باید این مشکل را هم حل می‌کردند که چسب نداشته باشد اینها مسائلی است که نسل جدید باید بر روی آن کار کنند.

اگر می‌خواهید فهرست را رایانه‌ای کنید خوب این کار را انجام دهید. من در مورد رایانه‌ای کردن هم معتقدم که ما دو نوع فهرست در اتاق‌های کتابداری داشته باشیم یکی رایانه‌ای کردن یا کوچک است که اتفاقاً در کتابخانه ملی هست که یک کارتن کوچک بود. ولی اینجا فهرست است و فهرست نویسی یک علم است و کسی که هندسه یا فلسفه نخوانده نباید فهرست بنویسد. به همین دلیل است که در گذشته برترین مردان مانند «امام فخر رازی» در جامع العلوم به این کار پرداخته‌اند. با این حال می‌بینیم که این همه هم اشتباه دارد. اصلاً داعیه من این بود که این مسأله را از جنبه کمیت آن خارج کنیم و به طرف کیفیت ببریم، البته قبول دارم که برای دوران کار و سینولیشن کتاب فهرست رایانه‌ای آن لازم است ولی برای شناخت کتاب کار بیشتری باید انجام داد.

افکاری: در واقع باید توصیفی و تحلیلی کار شود.

انوار: بله، کار آسانی نیست نویسنده باید بداند که چه می‌نویسد من دیدم که کسی می‌خواست کتاب فقه بنویسد به جای آن اصول آورده بود اصلاً مسأله اصولی نیست بلکه مسأله فقهی است این دردی است که باید گفته شود الحمدلله در حال حاضر نسل جدید ما، در کتابخانه ملی مانند آقای عظیمی و دیگران با علاقه کار می‌کنند.

افکاری: حالا که صحبت از کتابخانه ملی به عنوان کتابخانه مادر و به هر حال قانون گذار شد من از آقای عظیمی خواهش می‌کنم توضیح دهند که چه مقدار از فهرست‌هایی که منتشر کرده‌اند با همان روش و سنت‌های پیشینیان عمل کرده‌اند و چه تغییراتی در فهرست‌های جدید خود داده‌اند؟

عظیمی: شیوه فهرست‌نگاری سنتی دارای یک سری مزایایی بود از جمله آزادی عمل فهرست‌نگار و مخصوصاً در بخش معرفی کتاب. او کتاب را نگاه و بررسی می‌کرد و با آزادی عمل بدون اینکه محدودیتی برای او قائل شوند از حیث زمان کار بر که وقت می‌گذشت و نکات جدید را استخراج و منعکس می‌کرد و این یکی از نکات مثبت شیوه قدیم



عظیمی:
شیوه فهرست نگاری سنتی
دارای یک سری مزایایی بود
از جمله آزادی عمل
فهرست نگار و مخصوصاً در
بخش معرفی کتاب.

بود، مخصوصاً با این تقسیم بندی کاملاً مشخصی که استاد انوار در کتابخانه ملی با اساتید دیگر در دو بخش نسخه شناسی و کتاب شناسی ایجاد کرده بودند. انصافاً به طور متمایز این دو بخش را و تمام عناصر آن را معلوم کرده بودند و در عین آزادی عمل فهرست نگار عملاً نظم و سیستمی هم ایجاد شده بود.

با یک دید کلی به فهرست ها و شیوه های قدیمی خواه ناخواه آن نظم را نمی توانیم ببینیم مخصوصاً در مقوله هایی مثل موضوعات و پدید آورنده ها و اسامی آنها و اصولاً شیوه فهرست نویسی. به عنوان نمونه کسی که بخواهد برای اولین بار به فهرست های خطی مراجعه کند قطعاً هر فهرست خطی را باید تورو کند ساعت ها یا دقایقی تا به شیوه فهرست نگار محترم مسلط شود و فهرست های دیگر هم به همین ترتیب است. وقتی ما با حجم انبوهی از فهرست ها مواجه شدیم و خواستیم به آن اطلاع رسانی سیستماتیک بدهیم خواه ناخواه لا اقل در بخش نرم افزاری با مشکلاتی مواجه می شویم. در نهایت از دهه ۷۰ کتابخانه ملی با حضور اساتید فهرست نگاران خطی و استادان کتابداری نشست های متعددی برگزار کردیم و با یک شیوه تلفیقی، شیوه سنتی و شیوه فهرست نگاری اساتید محترم را با شیوه های جدید توصیفی - تحلیلی آن گلوامریکن که بخش توصیف آن را در زمینه خطی مطرح می کند و تحلیلی به وجود آوردیم. با این دید که مزیت های شیوه سنتی جدید یکی کنیم.

شیوه استاندارد و با یک کار برگه تلفیقی از سال ۷۴ و ۷۵ در جلد ۱۵ تا جلد ۲۰ کتابخانه ملی در دست چاپ است تا جلد ۲۸ آن کار شده و به رایانه داده شده است و چند جلد با این شیوه جدید خروجی داشتیم و چندین جلد در بحث نرم افزار اطلاعاتی داریم. مخصوصاً عناصری که این شیوه جدید را متمایز می کند بحث فهرست تحلیلی است. در فهرست نویسی به شیوه قدیم مقید بودند برای هر عنوانی یک موضوع بدهند و به طور قطع موضوع هم عام و خیلی کلی بود. در این شیوه جدید وقتی در بخش تحلیلی موضوعات متعددی دهیم موضوعات دقیق، ریز و متعدد است و مجبور نیستیم برای یک کتاب یک موضوع بدهیم چندین موضوع داده می شود و موضوعات در واقع مستند شده است و برای بازیابی و اطلاع رسانی هم بسیار راحت تر است.

به عنوان نمونه، یک موضوع کلی فقه را که در شیوه قبلی داده می شد موضوع رافقه جعفری می گوئیم و قرن را هم ذکر می کنیم، مثلاً (فقه جعفری قرن ۹) یا (فلسفه اسلامی قرن ۵، قرن ۶). مزیت سرشناس تر دیگر این است که نام مؤلف را مستند می کند، همان چیزی که استاد احمد منزوی در باره کار جدید آقای ایرج افشار فرمودند چندین سال است که ما این کار را می کنیم. نام مؤلف را به صورت مستند شده ذکر می کنیم.

در نهایت اینها در بخش نمایه های پایانی کتاب درمر حله اول، نمایه های موضوعی، کاتبان، مولفان مستند شده و در طیف وسیع تر و در هم کرد این فهرست ها بحث نرم افزاری است و در نتیجه امکان جست و جوی بسیار راحت تر و دقیق تر می کند.

مخصوصاً وقتی نگاه کنیم طیف وسیعی از نسخه خطی را دارد و حجم انبوهی از نسخه ها فهرست شده و فهرست ها باید در فهرستان لحاظ و تهیه شود. طبیعتاً اعمال این محدودیت ها و نظام مند کردن بخش هایی مانند موضوعات و پدید آورندگان. فکر می کنم واقعاً لازم است که آزادی عمل اجتهادی فهرست نگار به او داده شود مخصوصاً در کتب نا شناس.

یکی از اشکالات طبیعی برخی از اساتید این بود که کتاب ها را به تفصیل معرفی می کردند، اعم از اینکه این کتاب روضة القریه ای باشد که برای مخاطب اظهر من الشمس است. در واقع مخاطب و مشاهده کننده و یا یک کتاب جدیدی باشد که هیچ کجا از آن اسمی برده نشده است ما با این شیوه جدید فهرست نگار را مقید می کنیم که نسخه و کتاب نا شناس را به صورت مفصل معرفی کند و نسخه های معرفی و شناخته شده را در بخش معرفی کتاب به صورت مجمل بیان کند.

در بخش نسخه شناسی مخصوصاً آنجماها که در واقع به عنوان شناسنامه کتاب است و هم چنین در

عظیمی:
این پیشنهاد را داده‌ام که
با تشکیل میزگردهایی و
دعوت اساتید و با تأیید
آنان دست‌نامه‌ای تدوین
کنیم. چون فکر می‌کنیم
می‌بایست کار اجرایی آن با
کتابخانه ملی باشد و با
نظارت اساتید بزرگوار که
ما را کمک خواهند کرد تهیه
شود.

بخش‌های یادداشت‌ها و مهرها که تمام اینها مربوط به سرگذشت یک فهرست و کتاب است، دوستان را مقید می‌کنم که با تفصیل معرفی کنند و فقط در بخش معرفی یک نسخه شناخته شده اندکی محدود و نظام‌مند جلو بروند و با مستند کردن و استفاده از موضوعات تعداد امکان جست و جورا بیشتر کنند و بحث اطلاع‌رسانی آن را وسیع‌تر نمایند که به طبع سرشناس تر و شناسایی آن افزوده می‌شود.

اینها عنصری است که در کار جدید آمده و در کتابخانه ملی از جلد ۱۵ به بعد اعمال می‌شود که قاعدتاً در بخش نمایه‌های پایانی و در بخش بازبایی و اطلاع‌رسانی نرم‌افزاری چیز خوبی است. در شیوه قدیم کسانی که دست اندر کار پیدا آمدن اثری بودند شاید از آنها جایی اسمی برده نمی‌شد مخصوصاً در نمایه‌ها. با این شناسایی افزوده در شیوه جدید به نظر می‌آید که در واقع تعداد کسانی که مؤلف و دست اندرکار و یا مترجم و محشی و شاگرد بودند امکان دسترسی به آنها راحت‌تر باشد.

افکاری: آقای دکتر در واقع به نوعی به فهرست نویسی کتب چاپی نزدیک شده است. عظیمی: بله. در این بحث تحلیلی ما به کتب چاپی نزدیک شده‌ایم، منتهی با این تفاوت که ما هم اجتهادی عمل کردیم. مثلاً اگر در موضوعات می‌گویند فقه جعفری متون قدیم که آنجا ما قرن را می‌گوییم متون قدیم تا قرن چهارم معنادار نیست ولی سرشناسه‌ها و مستند کردن اسامی همین طور است. در واقع یک مقدار نزدیک شدیم و آن بخش معرفی را به بخش تحلیلی اضافه کردیم که قاعدتاً شیوه جدید نبوده است و اندکی آزادی عملی در بخش نسخه‌شناسی قائل شدیم.

افکاری: در مورد اسامی که در مستند مشاهیر یافت نمی‌شود فکر نمی‌کنید یک مقدار سلیقه‌ای عمل می‌شود؟ عظیمی: خیر. در آن موارد هم ما خودمان می‌سازیم و جالب است که ما با اشرافی که به شیوه جدید و شیوه مستند کردن داریم خودمان مواردی را که آن جا نیست می‌سازیم و مواردی را که آن دوستان ساخته‌اند نگاه می‌کنیم اگر مورد قبول ما نباشد به آنها تذکر می‌دهیم و حتی آنها را راهنمایی می‌کنیم که این شهر را بسازند.

افکاری: تلاشی برای چاپ این دست‌نامه یا تصمیم‌گیری‌هایی که تا به حال انجام داده‌اید انجام گرفته است؟ عظیمی: خیر. اتفاقاً این مدنظر خود من بود و این پیشنهاد را داده‌ام که با تشکیل میزگردهایی و دعوت اساتید و با تأیید آنان دست‌نامه‌ای تدوین کنیم. چون فکر می‌کنیم می‌بایست کار اجرایی آن با کتابخانه ملی باشد و با نظارت اساتید بزرگوار که ما را کمک خواهند کرد تهیه شود. تا به حال برای تدوین این دست‌نامه یا قاعده‌نگاری عجله‌ای نکرده‌ایم. فکر کردیم چند جلد از فهرست‌های خطی به شیوه جدید چاپ شود و اساتید آن را ببینند و اشکالات در معرض نقد قرار بگیرند و یا اشکالاتی که اساتید مطرح می‌کنند آن دست‌نامه را به شکل مرتب بیان کنند.

افکاری: هیچ نتیجه‌ای از باز خورد مخاطبان این فهرست‌ها یا انتقادات و پیشنهادات آنها دریافت کرده‌اید؟ عظیمی: قاعدتاً برخی از اساتید قدیمی ما با این شیوه مخالفند و ما هم به آنها حق می‌دهیم.
افکاری: بیشتر با کدام جنبه‌ها مخالفند؟

عظیمی: فکر می‌کنم اندکی با جنبه کتاب‌شناسی و معرفی کتاب در این شیوه جدید محدود می‌شویم یعنی حق فهرست‌نویس و مؤلف کتاب ضایع می‌شود. همان چیزی که استاد انوار فرمودند و این دغدغه‌ای است که دارند و این سخن بر حق است و عرضی که من دارم این است که در بخش معرفی کتاب از نسخه‌های شناخته شده با سرعت بگذرند و گرنه در مورد نسخه‌های ناشناخته قطعاً وظیفه خودمان و فهرست‌نگاران می‌دانیم که آنها را به طور مفصل بررسی کنیم و باز شاید در این بخش تحلیلی و موضوعات آن اساتید با این شیوه موضوعات ما مخالف باشند در عین اینکه گاهی اوقات مخاطبان ما که دانشجویان دکتری برای پایان‌نامه به ما مراجعه می‌کنند این شیوه‌های جدید را می‌پسندند و از آنها تعریف می‌کنند.

دوستانی هم که با کارهای نرم‌افزاری کار می‌کنند قاعدتاً از این موضوع استقبال می‌کنند و نظرشان این است



رحیمی ریشه:
کتاب‌هایی که شناخته شده
است چه لزومی دارد که ما
دوباره آنها را کتاب‌شناسی
کنیم؟

ولی یک دیوان کمی کهن‌تر
است و ضبط غزل‌ها در آن با
غزل‌هایی که در نسخه‌های
چاپی هست یک مقدار
متفاوت است ولی حتماً از
آن دیوان دو یا سه غزل را به
عنوان نمونه داده‌اند تا
خواننده آن فهرست بتواند
آن دو غزل را مثلاً در چاپ
قزوینی پیدا کند و ضبط‌ها
را با یکدیگر مقایسه کند

که شما به ما کمک کردید تا این برنامه نرم‌افزاری را با این شیوه جدید ایجاد کنیم.
افکاری: آقای دکتر به نظرم می‌رسد که این تلاش، اقدام پسندیده‌ای است، ولی تصور نمی‌کنید که به خصوص در بخش موضوع که از حساسیت خاصی برخوردار است و متأسفانه شاید در بسیاری موارد سرعنوان‌های موضوعات چاپی جوابگوی تقسیمات موضوعی در بخش نسخ خطی را نداشته باشد، بهتر است که با یک دستورالعمل خاصی و با تصویب و نظارت اساتید مدون شود و در اختیار کتابخانه‌ها قرار بگیرد تا از اعمال سلیقه‌های فردی جلوگیری شود؟

عظیمی: شخص بنده دقیقاً در چند مقاله‌ای که در این زمینه داشتیم پیشنهاد کردم تا سرعنوان‌های موضوعی مخصوص نسخه‌های خطی تدوین شود و آن جایی که با سرعنوان‌های حوزه فارسی، متمایز می‌شود و می‌خواهیم مسیرمان را عوض کنیم به نظر اساتید فن و فهرست‌نگار توجه کنند با این اصولی که در تدوین فهرست‌ها به کار می‌رود تلفیق کنند و خود من شخصاً معتقد هستم یک فهرست موضوعی مخصوص نسخه‌های خطی قطعاً باید تدوین شود.

افکاری: متشکرم. آقای رحیمی ریشه شما اخیراً از استاد ایرج افشار فهرستی را منتشر کرده‌اید، که بسیار مورد استقبال قرار گرفت شاید شما هم به نوعی این تجربه جدید را داشتید که عناصر جدیدی به خصوص در حوزه نسخه‌شناسی و پیوست‌های بسیار خوب و کار بردی به آن اضافه شد. به نظر می‌رسد گونه‌ای نظارت و توجه کتابخانه اتریش هم لحاظ شده است یا به نوعی شاید نظراً آنها هم در این کار تأمین شده است.
رحیمی ریشه: شاید از نظر آرایش و نمود نظراً آنها تأمین شده باشد. ولی از نظر فهرست‌نگاری، این طور نیست.
افکاری: بیشتر از جنبه نوع فرمی و چاپی این ویژگی رعایت شده است.
رحیمی ریشه: جز صفحات اول که مثلاً جای تیتراژ باید باشد بیشتر در آن زمینه‌ها یک مقدار اظهار نظر شده است ولی در متن چیزی نبوده است.

افکاری: لطفاً راجع به ویژگی‌های خاص این فهرست استاد افشار و اینکه چطور رشد که این فهرست به این شکل چاپ شد، توضیح دهید؟

رحیمی ریشه: زمستان سال ۱۳۸۵ آقای ایرج افشار یک سفر به اتریش رفتند و متوجه شدند تعدادی نسخه فارسی فهرست نشده حدود ۵۷۰ و ۵۸۰ کتاب در مخزن کتابخانه اتریش موجود است. از این رو پیشنهاد و بررسی می‌کنند و کار برگه‌هایی از آنها تهیه و همان جا تکمیل می‌کنند و طی دو هفته آن تعداد نسخه را سریع فهرست می‌کنند و از روی آن کار برگه‌ها چیزی هم سریع‌تر نوشته می‌شود و در بازگشت به ایران آنها را در اختیار ما قرار دادند.

این در حالی بود که جای بسیاری از عناصر، هم در کار برگه‌ها و هم در نوشته آقای افشار خالی بود. کاری که من کردم این بود که تیتراژهای همه کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی‌ها را به تفکیک استخراج کردم و هر اطلاعاتی که در جزوه آقای افشار بود آوردم و هر مقدار که نبود جلوی آن را خالی گذاشتم و یک پرینت نهایی گرفتم و آن را به آقای افشار دادم. در سفر بعدی ایشان به اتریش بر اساس آن پرینت نسخه‌ها را دوباره از اول فهرست کردند، یعنی هم موارد قبلی را یک بار دیگر چک کردند و هم مواردی از آن عناصر را که خالی مانده بود به خصوص نسخه‌شناسی، آنها را پر کردند و دوباره تحویل من دادند. در مرحله دوم موارد کتاب‌شناسی را به هم و موارد نسخه‌شناسی را به هم نزدیک‌تر کردم و تمامی این موارد زیر نظر آقای افشار و با راهنمایی ایشان انجام گرفت و در نهایت منابع آن اضافه شد و در این فاصله اتریشی‌ها هم خودشان چندبار دیدند. هم چنین آقایان فراگنر و رستگار دیدند و خانم ایلپیش متخصص نسخه‌های خطی لاتین و یونانی و ترکی و اسپانیایی دید، که مسئول مخزن نسخه‌های خطی است و در نهایت هم من آن را دیدم.

افکاری: هیچ پیشنهاد خاصی برای اضافه کردن موردی از عناصر نسخه‌شناسی یا فرم کار نداشتند؟

رحیمی ریسه:

من فکر می‌کنم، باید بین
بیبلیوگرافی با کاتالوگ
تفاوت قائل شویم اگر این
دو را با هم در آمیزیم دیگر
نه بیبلیوگرافی داریم و نه
کاتالوگ.

رحیمی ریسه: نه من یادم نیست اگر به خود آقای افشار گفته باشند. من چیزی یادم نیست.

افکاری: شما مزیت این فهرست را با سایر فهرس موجود که به نوعی با تمام آنها سروکار داشتید، در چه می‌بینید؟
رحیمی ریسه: جهت کار آقای افشار یک مقدار به این سمت است که به نسخه‌شناسی بیشتر توجه می‌کنند تا در کتاب‌شناسی، من یک گریزی هم به فرمایشات آقای انوار بزنم، کتاب‌هایی که شناخته شده است چه لزومی دارد که ما دوباره آنها را کتاب‌شناسی کنیم؟ شاهنامه فردوسی را همان طور که آقای منزوی فرمودند چه لزومی دارد که ما دوباره کتاب‌شناسی کنیم؟ تاکنون حدود ۱۰، ۱۱ دیوان حافظ معرفی شده است ولی یک دیوان کمی کهن تر است و ضبط غزل‌ها در آن با غزل‌هایی که در نسخه‌های چاپی هست یک مقدار متفاوت است ولی حتماً از آن دیوان دو یا سه غزل را به عنوان نمونه داده‌اند تا خواننده آن فهرست بتواند آن دو غزل را مثلاً در چاپ قزوینی پیدا کند و ضبط‌ها را با یکدیگر مقایسه کند یا مثلاً یک ایوان نامه هست که با ایوان نامه‌های موجود فارسی متفاوت است فکر می‌کنم حدود چهار صفحه قطع رحلی دوستونی ریز، دل ورودۀ این ایوان نامه را بیرون ریختند و تمام ابواب و فصول آن را ذکر کردند.

نمونه دیگر آن آیین اکبری مربوط به پادشاهان است که با آیین‌های اکبری دیگر متفاوت است. ایشان تمام ابواب و فصول آن را ذکر کردند. یعنی تا آن جایی که ضرورت ایجاد می‌کرده است، ایشان ذکر کرده‌اند و آن جایی که ضرورت ایجاد نکرده است ذکر نکرده‌اند. در بخش نسخه‌شناسی هم اگر بخواهیم با فهرست‌های دیگر مقایسه کنیم به یادداشت‌های برافزوده بیشتر توجه کرده‌اند. مثلاً جلدی بوده است و جلد باز شده و لای جلد مطالبی از نسخه دیگری بوده است که آن نسخه را برداشته‌اند و با آن جلد درست کرده‌اند و آن نسخه متأخر را باز جلد کرده‌اند چون با زحمت جلد را باز کرده و نمونه در عکس‌های آنجا هست و آن دو یا سه صفحه را توانستند باز کنند و ایشان هم نتوانستند تشخیص بدهند که مربوط به چه کتابی است. ولی خوب عکس آن را آوردیم آنجایی که ضرورت ایجاد می‌کرده است چه در یادداشت‌های برافزوده و چه در کتاب‌شناسی به تفصیل آمده است و آنجایی هم که ضرورت نداشته، نیامده است. اینکه لزومی داشته باشد که ما تمام کتاب‌ها را کتاب‌شناسی کاملی کنیم در فهرست نسخه خطی آن هم یک مجموعه ۲۰۰ تایی ضرورتی نمی‌بینیم.

انوار: شما ضرورتی نمی‌بینید. نظر من ممکن است با نظر شما فرق داشته باشد. فهرست نگار کسی است که وقتی کتابی را معرفی می‌کند نهایت درجه آن را معین کند. مثلاً ما در حال تعیین و معرفی یک کتاب فقهی هستیم. آقای شهید ثانی مسالک شرح لمعه را هم نوشته تفاوت غالباً با هم توفیر می‌کند.

رحیمی ریسه: ذکر این تفاوت‌ها در فهرست نسخ خطی است یا در کتاب‌شناسی آن است. اگر ما کتاب‌شناسی فقه شیعه تألیف می‌کنیم باید تمام مواردی را که شما می‌فرمایید ذکر کنیم اگر کتاب‌شناسی کتب هندسی را تألیف می‌کنیم باید تمام موارد را ذکر کنیم ولی فهرست مجموعه ۱۰۰۰ تایی ۲۰۰۰ تایی لازم نیست.

انوار: ۱۰۰۰ تا هم نه حتی اگر یک کتاب یا دو تا باشد شما وقتی یک کتابی را ارائه می‌دهید که خواننده بخواهد از فهرست استفاده کند نه اینکه قفسه کند یا جلد قشنگ درست کند حتی اگر جلد آن پاره پاره هم باشد باید طوری باشد که شخص هدایت شود. دعوا بر سر این بوده که سیزده مقاله اقلیدس را حجاج بن یوسف ترجمه کرده یا اسحاق بن حنین یا ثابت بن خُره و کتاب‌ها و نسخه‌ها هم دست ما نیست. یکی از آنها در کهنه‌اک و یکی جایی دیگر بنده الان نمی‌دانم آن که به دست بوعلی سینا رسید کدامیک از اینهاست. اگر فهرست صحیحی به من می‌گفت و من می‌فهمیدم، آن وقت می‌دیدم بوعلی چقدر کار کرده است. شهید اول می‌گوید فقیه آن است که هر روز یک قاعده قبل از چیزی که قبلاً گفته ارائه دهد و این چه قدر مطلب مهمی است. مثلاً شما دروس او را با شرح لمعه او مقایسه کنید ببینید که چقدر اختلاف است این را فهرست نگار باید نشان دهد که مثلاً دروس در هر مورد را بیان کند. این فهرست نگاری که من می‌گویم این است.

رحیمی ریسه: آن وقت فهرست‌نگاری یعنی بیبلیوگرافی.

انوار: خوب اسمش را بیبلیوگرافی یا فهرست‌نگاری بگذارید.

رحیمی ریسه: شما بفرمایید بیبلیوگرافی نسخه‌های خطی کتابخانه ملی، در وهله اول باید کاتالوگ نسخه‌های خطی نوشته شود.

انوار: بله اشکالی ندارد چه اشکالی دارد؟ همچنین چیزی نیست. کاتالوگ با کتاب‌های چاپی است در کتاب‌های خطی چنین چیزی را وارد نکنید تا آن جایی هم که بودم نمی‌گذاشتم وارد شود. البته ممکن است کسی قبول نکند. چرا؟ چون کمیت آن زیاد است. کمیت زیاد خیلی چیزها را حل می‌کند. کمیت زیاد باعث می‌شود که مثلاً کتابی را که ۵۰۰۰ جلد از آن چاپ شده شما حتی اسم آن را هم ننویسید اشکالی ندارد، ولی کتاب خطی که یک نسخه است و این یک نسخه را هم هیچ‌کس به دست کس دیگری نمی‌دهد. تا آن جایی که می‌توان باید آن کتاب را معرفی کرد. رحیمی ریسه: بله. من منکر آن نشدم. عرض کردم که برای نسخه‌های ناشناخته این را باید تا حدودی انجام داد. ولی نه برای هر کتابی.

انوار: چطور کتاب‌هایی؟ کتاب‌هایی هست که به اندازه کافی بر روی آنها بحث شده است آن هم تازه باید ارجاع دهیم. یا اگر کتاب‌هایی به نام اینکه کتاب مشهوری است مگر نمی‌تواند بگوید. اگر من کارهای شهید اول را می‌دهم برای من کارها و اندیشه‌هایش را معین کنید. این را فهرست‌نگار باید بگوید. فکر نکنید که ما باید مرتب فهرست بیرون بدهیم. پنج تا کتاب صحیح نگارش باید به اندازه یک میلیون از این فهرست‌ها می‌ارزد. این کار را باید بکنیم. چون قبلی‌ها این کار را می‌کردند متأسفانه این زمین خورده است، البته من هم باشما موافقم. امروزه دنیای رایانه است و باید با رایانه انجام شود.

رحیمی ریسه: نه ربطی به رایانه ندارد. من فکر می‌کنم، باید بین بیبلیوگرافی با کاتالوگ تفاوت قائل شویم اگر این دورا با هم در آمیزیم دیگر نه بیبلیوگرافی داریم و نه کاتالوگ.

انوار: اینها اسامی جدید است. گول آنها را نخور. بنده کتابی دارم که در آن می‌گویم آقای شهید را بشناس و باید آن را بشناسی. من همین الان هم گرفتارم، «قضا و شهادت» را یکی آخوند ملاعلی کنی نوشته و یکی را هم حضرت شیخ مرتضی نوشته است. من می‌خواهم ببینم طرز تفکر در آن دوران چگونه بوده است؟ حتی یک فهرست‌نگار هم به کمک من نیامده است.

افکاری: استاد آیا شما با سیستم ارجاع مخالف هستید؟ ارجاعی که در کتاب دیگر به تفصیل معرفی شده است؟ انوار: ارجاع تا حدودی. ارجاع به آن شکل را کسی حرفی ندارد، می‌خواهیم ببینیم در اواخر دوره محمدشاه و اوائل دوره ناصرالدین شاه طرز قضا و شهادت به چه صورت بوده است؟ دو فکر علی حده است. شاگرد حقوق اینها را می‌فهمد ولی فهرست‌نویسان نمی‌فهمند چون کار آنان نیست، ولی او می‌داند هر جا چه کاری باید انجام شود به نظر من فهرست‌نگاری جلو برنده علم است و علم را پیش می‌برد و نباید آن را شوخی بگیریم این فهرست‌نگاری است. ولی کاتالوگ و از این چیزها هر چیزی می‌خواهید بنویسید. باور کنید همین الان بنده گرفتارم. قطر هر دو کتاب هم بسیار زیاد است اگر کس دیگری قبلاً روی آن کار کرده بود آن وقت من می‌گویم این در آن دوران این بوده است و گردن من هم انداختند و گرنه من چرا باید یک چنین کاری بکنم. فهرست‌نگاری کار بالایی است هرکسی نمی‌تواند فهرست‌نگار باشد من الان می‌بینم کسی که نمی‌تواند عربی بخواند فهرست‌نگار عربی است استاد این درد زیادی است.

حافظیان بابلی: آقای انوار، شما این روشی را که می‌فرمایید در کدامیک از فهرست‌های خود اعمال کردید؟ انوار: تا آن جایی که توانستم اعمال کردم همان طوری که آقای منزوی گفتند به ما حتی پول چاپ نمی‌دادند، شما وضع کتابخانه ملی را در آن روز در نظر بگیرید. شما می‌بینید که ما آن برگ‌های اساسی را چه قدر خلاصه



می‌کردیم.

می‌خواهم این را بگویم همان‌طور که آقای منزوی می‌گویند من هم این درد را در کتابخانه ملی حس می‌کردم. وضع ما این‌طور بود که یک فرم ۱۶ صفحه‌ای را ۱۶ تومان می‌گرفتیم و این ۱۶ تومان را یک دفعه اشتباه کرده بودند و من از جیب خودم دادم و می‌گفتم این را تجدید چاپ کن ولی خوب الان الحمدلله کتابخانه‌ها دارای وضع مالی خوبی هستند خیلی از اساتیدی که مقامات بلندی هم دارند در آن کتابخانه می‌نشستند و بحث ما درباره همین فهرست‌نگاری بود.

احمد منزوی: من فکر می‌کنم کار و برنامه فهرست‌نگار آن نیست که آقای انوار می‌فرمایند، آن محقق که می‌خواهد راجع به مسائل فقهی یا ریاضی تحقیق کند. فهرست‌نگار که علامه و جامع‌العلوم نیست. یک فهرست‌نگار یک حدیسیانسیه است او تجربه دارد اگر بخواهیم این شرایط را بگذاریم کار بر روی زمین می‌ماند. ما باید فکر کنیم کار ضروری است شناختن مجموعه کتاب‌های خطی موجود در مملکت است، ما باید حداقل آنها را به صورت نام‌گوداشته باشیم. من طرفدار فهرست نام‌گو هم نیستم من طرفدار فهرستی هستم که تحلیلی و تطبیقی باشد. تحلیلی نه به این معنا که اختلاف نظریه متداول را با کس دیگری بیان کنیم. این کار من نیست من نمی‌توانم یک فقیه باشم. کاریک محقق است، محقق می‌تواند از بین این کتاب‌ها یک رشته‌ای را انتخاب کند: فقه یا پزشکی یا ریاضی و روی آن کار و تحقیق کند. کار فهرست‌نگار این است که اسم کتاب، مؤلف و مهدی‌الیه آن تاریخ تألیف و سلسله ابواب و آغاز و انجام آن را بنویسد. نکته دیگر مسأله ارجاعات است. اگر ما به کتاب و فهرست دیگری ارجاع می‌دهیم در واقع سنگ محک می‌زنیم، ما اطلاعاتی از نسخه به دست آوردیم که شش فصل است بعد در جایی دیگر می‌بینیم که آن را هشت فصل یا پنج فصل ذکر کرده است.

پس ما باید در ارجاعات بگویم که این نسخه دارای نسخه‌های متعدد است. این که یک کتاب را معرفی کنیم و بعد آن را در یک خلاصه کنیم، درست نیست. این موضوع استاد ما را به یادم آورد که این اختلاف از ۳۰ سال قبل بوده است. ایشان می‌گفته‌اند: ارجاع ندهید ما می‌خواهیم کتاب را ببینیم من کتاب را باید نگاه کنم هر کسی باید فصول و ابواب آن را نگاه کند، ولی به فهرس دیگر هم مراجعه کند و ببیند که آنجا نوشته ۸ فصل است و بگوید که این کتاب ۶ فصل است در صورتی که فهرست منزوی آن را ۶ یا ۷ فصل ذکر کرده است، اختلافات این‌گونه به دست می‌آید.

افکاری: در واقع ارجاع دست‌یابی محققان را به منابع پیشین آماده ترو تسریع می‌کند.

انوار: بنده اصلاً با فهرست‌نگاری به این شکل که جناب عالی می‌فرمایید مخالفم. برای راه حل شما گفتم که

احمد منزوی:
من طرفدار فهرست نام‌گو
هم نیستم من طرفدار
فهرستی هستم که تحلیلی
و تطبیقی باشد. تحلیلی نه
به این معنا که اختلاف
نظریه متداول را با کس
دیگری بیان کنم. این کار
من نیست من نمی‌توانم
یک فقیه باشم. کار یک
محقق است

ما در هر کتابخانه‌ای دو نوع فهرست داریم یک نوع فهرست کوچک و رایانه‌ای است که در کتابخانه معرفی شده که همان فهرست نام‌گوی است.

تهیه این فهرست‌ها در کتابخانه ملی بسیار مشکل بود، زیرا آن زمان که ما آمدیم هیچ فهرستی نداشتند ۴، ۵ تا دفتر بود که این دفترها هم ۴، ۵ نوع نمره داشت. مرحوم دانش پژوه را خدا بیامرز یک نمره دیگر را می‌داد و از ما نمره دیگری را می‌خواست. آخر هم دعوا مان شد. می‌گفتند نسخه گم شده است. پدر آقای احسان نراقی کتابی راجع به خانواده نوشته از یک نسخه خطی کتابخانه نمره‌ای که دانش پژوه به او داد نمره‌ای بود که با نمره پشت جلد هماهنگ نبود. بدین دلیل ما فهرست‌های کوچکی درست کردیم و گفتیم این کتابخانه این است ولی آنجایی که تحقیق در کار می‌آید این که فهرست نگار باید این گونه باشد نیست. فهرست نگارهای بزرگی مانند بروکلیمان در جهان بودند.

احمد منزوی: چند تا از این افراد، ما در ایران می‌توانیم پیدا کنیم؟

انوار: پیدا نکنیم. یک فهرست کوچک تهیه کنید و در اختیار استفاده‌کنندگان قرار دهید. فهرست نگاری که بنده می‌گویم یک چنین احترامی برای او قائلم.

عظیمی: من با اجازه دوستان یک نکته کوتاه را بگویم. به نظر من فرمایش هر دو استاد بزرگوار یکی است، اگر سطح بندی کنیم و بگوئیم نخست فهرست نگاری که فقط فهرست نگار است و فهرست نگاری که محقق است. اگر در این زمان نگاه کنیم تعداد فهرست‌ها زیاد است و مراکز متعدد کتاب خطی دارند که باید فهرست کنند و به این فهرست نگار گفته می‌شود که فقط فهرست نگاری کند و او را در یک محدوده خاص و نظام مند با یک سطح تعریف مشخص قرار دهیم و همین فهرست نگار اگر محقق بود قاعدتاً نکات تحقیقی و اجتهادی را استنباط و کشف می‌کند. این همان چیزی است که استاد انوار می‌فرمایند. منتهی در زمان قدیم این تشبیهات را در فهرست متمرکز می‌کردند که انصافاً هم لازم بود و در این هیچ بحثی نیست. من فکر می‌کنم یک فهرست نگار به عنوان یک محقق این تشبیهات را وارد می‌کرد، منتهی همین فهرست نگار اگر محقق بود آن کار تحقیقی را در مجلات متعددی که امروزه وجود دارد و جایگاه این نقطه نظرات است، منعکس می‌کند و در این فهرست فقط فهرست نگاری می‌کند در حد همان سطح وسط.

اگر بخواهد از این سطح وسط بالاتر برود آن تشبیهات و نکات بسیار مهمی را که استاد می‌فرمایند، این دیگر فهرست نگار نیست محقق است و با این دیدگاه در زمان قدیم مقاله تحقیقی را در همین فهرست منعکس می‌کردند، زیرا مجلات تحقیقی - پژوهشی بسیار کم بود و برای آنها جایگاه نبود. منتهی امروزه اگر محقق بود آن فهرست‌ها را در مجلات تحقیقی منعکس می‌کند و به نظر می‌رسد این جمع بین دو دیدگاه باشد.

افکاری: حال که بحث طبقه بندی فهرس و ماشینی کردن آن پیش آمد آقای عمرانی خواهش می‌کنم درباره همین مسائلی که اساتید فرمودند و مشکلات ورود اطلاعات را توضیح بفرمایند در مورد کدام فهرس شما راحت‌تر عمل می‌کنید و در واقع ویژگی این کار و ورود اطلاعات چه قدر وابسته به فهرست‌هاست و فهرست‌ها و انواع آنها چه کمکی به تسریع اطلاعات رسانی می‌کند؟

عمرانی: همان طور که شما هم می‌دانید من فهرست نویسی خطی نبودم بلکه فهرست نویسی نسخ چاپی هستم. من ۲۸ سال سابقه فهرست نویسی چاپی دارم شاگرد خانم پوری سلطانی هم بوده‌ام و همیشه هم در کنار ایشان کار کرده‌ام. من زمانی در این حوزه وارد شدم که بین کامپیوتر من‌ها و کتابداران نسخ خطی دانشگاه تهران قرار گرفتم. یعنی دوستان نسخ خطی ما کارهایی را انجام داده بودند و کامپیوتر من‌ها هم چیزهایی را نوشته بودند. منتهی من کمی به کامپیوتر من‌ها به خاطر فهرست‌های چاپی نزدیک شده بودم و به دلیل حرفه و کتابدار بودنم اندکی با فهرست‌های خطی آشنا شدم و در این میان دوستان بنده را وارد کردند شاید کمکی به نرم افزار دانشگاه تهران شود.



عمرانی:

ما در فهرست‌نگاری و شیوه‌های فهرست‌نگاری دخالته نداریم. ما زمانی که فهرست را تحویل می‌گیریم به وسیله نرم افزارها و طراحی که انجام می‌دهیم، آن را به صورت رایانه‌ای ارائه می‌دهیم. حالا اینکه این نرم افزار چه طور درست شده باشد و چه قدر به استانداردها نزدیک باشد برای ما اهمیت پیدا اولین بار می‌شنیدم. زمانی که فهرست را تقسیم‌بندی کردند گفتند فهرست‌ها می‌تواند توصیفی (discriptive) و در مقابل آن Fanaticiv تحلیلی باشد.

به هر حال چیزی را به کار بردید که ما با آن برخورد نداشتیم، فهرستی که عمق بیشتری داشته باشد. ما فقط فهرست را از اساتید گرفته و وارد رایانه می‌کنیم. نقشی که ما بازی می‌کنیم نقش indextor است که شما خودتان برای فهرست‌هایتان می‌گذاشتید. این indextor که شما می‌گذاشتید، یک پدیده غربی بود و ما در حال حاضر در کارهای قدیم خود کشف الایات و کشف اللغات داریم.

شاید در فهرست‌نویسی خطی هم از همین دوران اخیر indexts ها ساخته شد کاری که رایانه می‌تواند بکند این است که این indexts ها را دقیق تر کند و تنوع آنها را با جزء جزء کردن فهرست بیشتر کند یا به زبان کامپیوتر من‌ها فیلد فیلد کردن یا جزیی کردن فهرست بتواند امکانات indext سازی و امکان دستیابی به تمام لغات به کار رفته در متن و در فیلدها را بیشتر کند.

افکاری: آقای عمرانی این فیلدبندی کار چه کسی است؟

عمرانی: خدمت شما عرض می‌کنم من فقط این اشاره‌ای را که به صحبت استاد انوار کردم برای این است که بگویم استاد، discriptive کار می‌کنیم آنکلو امریکن که مورد اشاره آقای دکتر عظیمی قرار گرفت. در واقع قواعد فهرست‌نویسی توصیفی است آنکلو امریکن اولین مجموعه‌ای است که قواعدی برای کل فهرست‌نگاری توصیفی تعریف کرده است. فصل چهارم آن فهرست‌نویسی نسخ خطی است و آن قدر خلاصه کلی بوده است که کتابخانه کنگره DCRB را درست کرد. descriptive cataloging for rare book که الان ویرایش جدید آن در سال ۱۹۹۲ م. چاپ شده و در سال ۲۰۰۳ discriptiv cataloging of Rare materials شد. این فهرست کتابخانه کنگره به جای فصل چهارم آنکلو امریکن کار کرد و بعد از اینها انجمن کتابداران دانشگاهی آمریکا آن را کار کرد که دقیقاً نقاط ضعف آنکلو امریکن و DCRB را پوشانده است. انجمن آرشیویست‌های آمریکا هم APPM را کار کرد Alcapo personal paper and maniscrupte این سه دست‌نامه و قواعد موجود است و بنده هم هر کدام از اساتید که بخواهند در اختیارشان قرار می‌دهم. این دست‌نامه‌ها تمام عناصر کتاب‌شناختی را قاعده‌بندی کرده است و آنها را برای فهرست‌نگاران ماشینی، استانداردهای ماشینی آماده می‌کند. دو استاندارد اصلی که در حال حاضر استفاده می‌شود استاندارد مارک است Machin reader cataloging کتابخانه کنگره آمریکا است که اخیراً مارک دی تی وی (markDTV) آن را من دیدم که تحت تأثیر ACML که بیشتر فهرست‌های اروپایی مثل بادلیان، آکسفورد، لایدن، هلند، نرم افزارهایی که نوشتند بر اساس STML و DTV های STML نوشته شده که مارک هم تعبیرهای آن را نوشته است. به هر حال چه مارک فرمت‌ها، چه CML فرمت‌ها مبتنی بر یکی از آن فهرست‌های بالاست یا فیلدهای خود را از قواعد آنکلو امریکن استخراج کردند یا از ACRL گرفتند یا از APPM گرفتند اینها فیلدها را دقیقاً باز کردند و شما می‌توانید با استانداردهای جهانی که کتابخانه‌هایی مثل کتابخانه کنگره و یا Britishlibrary که آن هم از ACML استفاده کرده است. تمام اینها را می‌توانید بگیرید و فیلدینگ کنید. آن کاری که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران انجام دادیم، از تمامی فهرست‌هایی را که در کتابخانه مرکزی داشتیم کپی گرفتیم و فیلدهای آنها را درآوردیم و تمام این فیلدها را با هم مقایسه کردیم و این فیلدها را با مارک و ACML مقایسه کرده و یک مجموعه فیلدی را بر اساس اینها تعریف کردیم. فهرست اتریش که چاپ خدمت آقای دکتر افشار رسیدیم. استاد افشار کار برگه



محمدی فر:

کتابخانه ملی متولی
رایانه‌ای کردن است و
فرض بفرمایید فیله‌هایی
که منطبق بر استانداردهای
بین‌المللی است و آن را
تأیید کند و آن را در اختیار
کسانی قرار دهد که در کار
نرم افزارهای کتابداری و
کتاب‌رسانی هستند و به
نوعی در واقع گردش
اطلاعات را بین نرم
افزارهای کتابخانه‌ای
تسهیل کند.

اتریش را به ما دادند و وقتی ما کار برگه اتریش را گرفتیم شاید یک فیلدرادر تحقیقی که انجام داده بودیم عوض کردیم چون تحقیق ما مبتنی بر مقام فهرست‌ها بود فهرست لاهور، مرکزی، مرعشی و فهرست ملی. کار برگه تمام اینها را من از آقای دکتر عظیمی دریافت کردم و تمام این کار برگه‌ها را کنار هم گذاشتیم و از بین تمام اینها مجموعه‌ای را در آوردم که این مجموعه به یک کار برگه‌ای تبدیل شده است که در آخرین مرحله ما با این فهرستی که آقای افشار در ماهنامه بخارا منتشر کردند تطبیق دادیم. که من اینجا فقط یک عنصر دیدم که نسبت به کار برگ اتریش ایشان بیشتر بود یعنی در کار برگه بخارا آغاز و انجام، انجامه که در فهرست اتریش سه تا بود این جا چهار تا شده است که عبارت است از: کلمات آغاز متن، کلمات پایان متن، کلمات آغاز نسخه و کلمات پایان نسخه که ما این را هم اعمال می‌کنیم یعنی دقیقاً به شیوه آقای افشار برگرداندیم. بدین ترتیب هر index که شما بخواهید قابل وصول است. از طرف دیگر بحث چاپ آنهاست شما، جناب منزوی و استاد انوار در زمان قدیم فهرست خود را به چاپ خانه می‌دادید و ترتیب چیدن آنها را مشخص می‌کردید. حالا ما همان عناصری را که آنجا تعریف کردیم در شکل خروجی به هر ترتیبی بخواهیم ارائه می‌دهد. مثلاً کتاب‌شناسی را اول و نسخه‌شناسی را بعد بیاوریم در کتاب‌شناسی پدید آور را بالا و عنوان را بعد بگذار، آغاز، انجام، وضعیت تولید آن که در کجا تولید شده و چه وضعیتی دارد در واقع کجا نوشته شده و بعد به سراغ عناصر نسخه‌شناسی می‌رویم که ما آنها را با جزئیات کامل می‌دهیم من نمونه‌های انگلستان British library، نمونه‌های کتابخانه کنگره تمام اینها و نمونه‌های دانشگاه تهران را هم حاضر دارم که شکل خروجی آن چه می‌تواند باشد. ما در سطح حرکت می‌کنیم نه در عمق. چون من فهرست نگار نیستم من زمانی کارم را شروع می‌کنم که فهرست نگار کارش را تمام کند فیله‌هایی را تعریف می‌کنم که فهرست نگار از من می‌خواهد و آن خروجی را می‌دهم که فهرست نگار از من می‌خواهد. بنابراین ما دخالتی در امر فهرست نگاری نمی‌کنیم. ما فقط همان چاپخانه سابق هستیم آقای انوار و آن index ساز سابق ما indexها را به شما دقیق تر می‌دهیم و آن فرم چاپی را که شما دوست دارید ارائه می‌کنیم.

محمدی فر: می‌خواستم بدانم این فیله‌هایی که تعریف می‌کنید از استاندارد خاصی تبعیت می‌کند یعنی در واقع فیله‌هایی که شما تعریف می‌کنید در تمام نرم افزارها قابل استفاده هست؟ به عنوان مثال ما می‌توانیم در یک نرم افزار آمریکایی این نسخ خطی را که با فیله‌هایی که شما تعریف کردید و ذخیره کردیم منتقل کنیم و یا اینکه نه کاملاً nonstick است و فقط در دانشگاه تهران قابل استفاده است. برای این تدبیری اندیشیده‌اید؟

عمرانی: نرم افزار ما فعلاً با استاندارد مارک، مطابقت دارد تا چه قدر موفق شویم زیرا در حال حاضر تمام کسانی که با استاندارد مارک شروع می‌کنند مشکلاتی دارند و اکثریت به سراغ مارک ACMLها رفتند و خروجی مارک ACML می‌دهند. ما هم به طرف مارک ACML می‌دهند. ما هم به طرف مارک ACML حرکت می‌کنیم یعنی در نهایت ما اگر خروجی مارک ACML را دقیق و کامل بدهیم قطعاً جاهای دیگر هم از آن می‌توانند استفاده کنند که البته در برنامه دراز مدت جز کار ما قرار دارد.

همان طور که ما می‌توانیم کتابخانه آمریکا و یا British library را در نرم افزار خودمان Convert کنیم. امیدواریم در آینده آنها هم بتوانند فهرست‌های ما را Convert کنند. هنوز در مراحل میانی کار هستیم، ولی استانداردی که تعریف شده از هر چیزی به مارک ۲۱ نزدیک تر است نه به یونی مارک به مارک ۲۱ یواس مارک.

محمدی فر: چرا از یونی مارک استفاده نکردید؟

عمرانی: شاید یونی مارک توسط کتابخانه ملی سابقه ۵، ۶ ساله دارد که شروع به کار کرده است. ما از سال ۷۴ که کارمان را شروع کردیم اساس کار ما Us مارک بود و الان در شرایطی نبودیم که بخواهیم آن را تغییر دهیم ولی همان طور که شما خودتان هم می‌دانید تبدیل اینها و جود دارد. البته مارک ایرانی که وجود دارد آن چیزی نیست که ما بتوانیم پایه نسخ خطی را بر روی آن بگذاریم. شاید حتی در کتاب هم ضعیف است و Linkهای آن قابل تعریف نیست این

عمرانی:
من زمانی کارم را شروع
می‌کنم که فهرست‌نگار
کارش را تمام کند
فیلدهایی را تعریف می‌کنم
که فهرست‌نگار از من
می‌خواهد و آن خروجی را
می‌دهم که فهرست‌نگار از
من می‌خواهد. بنابراین ما
داخلتی در امر
فهرست‌نگاری نمی‌کنیم.
ما فقط همان چاپخانه
سابق هستیم

ارجاع‌هایی که از آنها نام می‌برند ما در نرم‌افزار از آنها با link یا پیوند نام می‌بریم به عنوان نمونه اگر شما یک دیوان حافظ دارید در همین جا بتوانید ببینید که ۲۰ دیوان حافظ دیگر هم در فهرست شما موجود است و بتوانید تک تک آنها را ببینید. همان کاری که نرم‌افزارهای دیگر هم انجام می‌دهند. این رجوع‌ها تماماً به صورت hiper link و در متن آن برگه و فهرست قاعدتاً بر روی نرم‌افزار می‌آید: بنابراین ما در واقع بر روی linksها هنوز کار زیادی انجام ندادیم ما در مراحل میانی هستیم.

محمدی فر: در مورد چنین کارهایی کتابخانه ملی متولی است و فرض بفرمایید فیلدهایی که منطبق بر استانداردهای بین‌المللی است و آن را تأیید کند و آن را در اختیار کسانی قرار دهد که در کار نرم‌افزارهای کتابداری و کتاب‌رسانی هستند و به نوعی در واقع گردش اطلاعات را بین نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای تسهیل کند. اطلاع دارید این گردش اطلاعات، خصوصاً اگر ما بخواهیم تمدنی را معرفی کنیم فکر می‌کنم یکی از پایه‌های آن نسخ خطی است. ما اگر بخواهیم نسخ خطی را در کتابخانه نگهداری کنیم و به صورت یک موزه داشته باشیم من فکر نمی‌کنم، بتوانیم گفت وگویی در عرصه بین‌المللی داشته باشیم. برای گردش اطلاعات ذخیره‌آزگانی ما باید استاندارد باشد. سؤال من این است که آیا کتابخانه ملی برای نسخ خطی مطابق با استانداردهای بین‌المللی کاری کرده است یا خیر؟
عمرانی: مشکل اساسی کتابخانه ملی یا کتابخانه مرکزی دانشگاه نیست. مشکل اساسی مسئولین اطلاع‌رسانی کشور هستند. کتابخانه ملی به عنوان یک رکن مارک یونی مارک را به عنوان مارک ایرانی انتخاب می‌کند، شورای عالی اطلاع‌رسانی ایران به عنوان متولی بخش اطلاعات مارک ۲۱ را به عنوان مارک استاندارد ایران معرفی می‌کند. شما فکر کنید در این مملکت دوارگان اصلی هر کدام یک استاندارد را اعلام کرده است. من که در دانشگاه تهران کنار دست نسخه‌شناس و نرم‌افزاری می‌نشیم یک استاندارد برای نرم‌افزارم انتخاب کنم اینجا مشکل دارم. این بحث با کتابخانه ملی شد و قرار بود بر خوردی بشود تا ما تکلیف خود را بدانیم. به من می‌گویید چرا یونی مارک را استفاده نکردید، من می‌گویم ما یک سابقه تاریخی داریم و به این دلیل از مارک ۲۱ استفاده می‌کنیم ولی آن طرف قضیه را هم به شما عرض می‌کنم شورای عالی اطلاع‌رسانی ایران هم مارک ۲۱ را استاندارد مارک ایرانی قرار داده است. به چه دلیل؟ از آن طرف آیا مارک‌ها استاندارد ما هستند یا DCDها؟ یعنی ما واقعاً وقتی به سراغ ACML می‌رویم دستمان باز می‌شود و از آن خشکی مارک کاملاً خارج می‌شویم. مارک به شدت محدودکننده است، با تکنولوژی دهه ۷۰ نوشته شده است. اصلاً به چه دلیل مارک؟ ما هم که سال ۷۴ شروع کردیم به این دلیل است که استاندارد دیگری را نمی‌شناختیم.

افکاری: آقای عمرانی فرمودید هر گاه که کار فهرست‌نویس تمام شود کار شما شروع می‌شود. برخی از متخصصان همین امر معتقدند که فهرست‌نویسی باید بر اساس برگه‌های پیشنهادی یا کار برگه‌های پیشنهادی باشد که از نتیجه همین کار حاصل شده است. یعنی در واقع جناب عالی یا همکاران شما در این حوزه بعد از مطالعه و نتیجه‌گیری که از این فهارس کردید کار برگه‌های رایانه‌ای آماده‌ای را ارائه خواهید داد. چه قدر در این حوزه کار کردید و آیا فکر می‌کنید این کار برای کسانی مثل اساتید فن و کسانی که با این روش کار کردند و به قول آقای دکتر عظیمی آزادانه مطلب نوشتند چه قدر عملی است؟ و این بحث همیشگی استفاده و محدودیت کار برگه چه قدر از نظر شما می‌توند جدی باشد؟

عمرانی: به نظر من اگر کار برگه قابل انعطاف طراحی شده باشد، مغایرتی در آن نداریم چون این کار برگه بر اساس نیاز فهرست‌نگار و آن چیزی که استاد افشار در فهرست‌اتریش اعمال می‌کنند یا بر اساس فهرست هند و پاکستان که ما مدخل‌های آن را سعی کردیم در ۳۰ صفحه کپی کنیم، مدخلی نبوده باشد که در یک کتاب اسم نبرده باشد و در یک کتاب دیگر آن را نداشته باشد و یا از کاغذ آن اسم برده نشده است و یا از رنگ مرکب آن نام برده نشده باشد. ۳۰ صفحه فهرست را تک تک استخراج کنیم و عناصر را بیرون بکشیم. بنابراین ما کاری نکردیم بلکه عناصری را که



صفیاری:
از دید ما کلاً یک سیستم مکانیزه وقتی می‌تواند کارایی خوبی داشته باشد که کاملاً با آن سیستم دستی که قبلاً کار می‌شده منطبق باشد، یعنی ما نمی‌توانیم برای خودمان سیستم اختراع کنیم

فهرست‌نگار نسخ خطی خواسته است بیرون کشیدیم. حالا کار برگه‌ای را درست کردیم که در واقع این کار برگه بر اساس نظر بوده است. آخرین چیزی که ما طراحی می‌کنیم و آخرین تغییری که قرار است در نرم‌افزار داده بر اساس آخرین نوشته استاد افشار در ماهنامه بخار است. یعنی عین آن را ما در واقع پشتیبانی کنیم. حالا ما این کار برگه را عین چیزی را که می‌خواهیم وارد رایانه کنیم به همین ترتیب در اختیار فهرست‌نگار قرار دهیم. شاید این اندکی مطابق سلیقه فهرست‌نگار باشد، که در واقع ماشیوه ایرج افشار را پیاده می‌کنیم که ممکن است سلیقه فهرست‌نگار با این چیزی که ما این جا چیدیم متفاوت باشد و عنوان کند که فهرست منزوی یا فهرست استاد انوار را بیشتر می‌پسندد. به هر حال چاره‌ای نیست سلیقه‌ای است و باز هم قابلیت این را دارد که کار برگ را بر اساس سلیقه نسخه‌شناس بچینیم. منتهی آن جایی که ما در نرم‌افزار می‌کنیم آنجا هیچ پیچیدگی ندارد که شکل خروجی را باز طوری طراحی کنیم که دوست داشته باشند ولی دستی به ترکیب استاندارددها نمی‌زنیم.

افکاری: پس در نهایت باز به یک کار برگه واحدی نخواهیم رسید و باز هم سلیقه و ذوق هر فهرست‌نویسی یک خروجی را از شما طلب می‌کند.

عمرانی: من خیلی محافظه‌کارانه سعی می‌کنم از این که وارد سلیقه‌های فهرست‌نگاران شوم، فرار کنم. یعنی من هیچ‌گاه نمی‌توانم بین استادان منزوی، انوار و افشار قضاوت کنم و بگویم کدامیک استاندارد هستند ولی اگر خانم افکاری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران می‌گویند ما در کتابخانه مرکزی شیوه استاد منزوی را داریم من کار برگه کتابخانه مرکزی را قطعاً به شیوه استاد منزوی در اختیار شما بگذارم و در واقع صلاحیت قضاوت را نداریم.

افکاری: جناب آقای صفیاری چه تغییراتی تاکنون در برنامه‌نویس بعد از این اتفاقات افتاده است. چه میزان تغییر داده‌اید و فکر می‌کنید چه قدر جای تغییرات بیشتری هست. همان طوری که آقای عمرانی فرمودند چه مقدار می‌توانید مطابق با سلیقه فهرست‌نویس در این برنامه جای انعطاف داشته باشید.

صفیاری: از دید ما کلاً یک سیستم مکانیزه وقتی می‌تواند کارایی خوبی داشته باشد که کاملاً با آن سیستم دستی که قبلاً کار می‌شده منطبق باشد، یعنی ما نمی‌توانیم برای خودمان سیستم اختراع کنیم یک سیستم دستی وجود دارد. شما برای اینکه این سیستم دستی را مکانیزه کنید حتماً باید در آن تغییراتی بدهید. در واقع دلیل این قضیه هم این است که بسیاری اوقات آن سیستم دستی به صورت کاملاً توصیفی و تحلیلی پیش می‌رفته و اینکه سلیقه‌های فردی هم گاهی اوقات لحاظ شده است. حالا بعد از گذشت مدتی آن سلیقه‌های فردی، چون طولانی شده است حالت استاندارد و

یک سطح خاصی را ایجاد کرده است بنابراین همان طوری که آقای عمرانی فرمودند ما به عنوان ارائه‌دهنده سیستم‌ها در جایگاهی قرار نداریم که بتوانیم قضاوت کنیم که کدام سبک درست است و کدام سبک غلط است و یا اینکه کدام یک از آنها باید اعمال شود. تنها نکته‌ای که برای ما بسیار مهم است این است که هر گاه شما می‌خواهید یک سیستم دستی را مکانیزه کنید باید در آن تعدیل به وجود آورید و آن را تغییر دهید. شما نمی‌توانید یک سیستم دستی داشته باشید و بگویید عین همین سیستم دستی را یک سیستم مکانیزه به من تحویل دهید. شما می‌دانید رایانه یا ماشین از چه چیزی تشکیل شده است، در مورد ذخیره و بازیابی اطلاعات محدودیت داریم و محدودیت ما به همان فیلدها برمی‌گردد با توجه به تکنولوژی که در واقع در علم رایانه به روز وجود دارد، فقط می‌توانیم تعدادی اطلاعات را به صورت متنی داخل یک سری از فیلدها ذخیره کنیم و بر اساس همان اطلاعات به مراجعه‌کننده بازیابی دهیم، در نتیجه نمی‌توانیم بگوییم آن سبکی که شما داشتید درست یا غلط است اگر سیستم‌های دستی بخواهند مکانیزه شوند باید خودشان را تغییر دهند. سیستم‌های مکانیزه هم باید طوری طراحی شوند که قابلیت انعطاف‌پذیری داشته باشند تا اینکه بتوانند خودشان را در سطح سیستم دستی برسانند، در غیر این صورت اصلاً غیر ممکن است که شما بتوانید یک سیستم دستی را مکانیزه کنید. مثلاً فرض کنید که شما وارد هر کتابخانه‌ای که بشوید یک میز



امانت وجود دارد، این میز امانت یک گردش دارد گردش کار آن هم کاملاً مشخص است و همه هم می‌دانند، اما همین گردش کار داخل یک کتابخانه با کتابخانه دیگر کاملاً متفاوت است، مثلاً چیدن کارت اشخاص، اعضا در یک کتابخانه بر اساس شماره عضویت است و در کتابخانه دیگر بر اساس نام و نام خانوادگی آنهاست. خوب آن کتابخانه بخواهد سیستم خود را مکانیزه کند باید تا حدی روش خود را تعدیل کند. حالا در مورد تمامی فهرست نگاری نسخ خطی شما مجبور هستید که این کار را انجام دهید، ما در جایگاهی نیستیم که بتوانیم بگوییم شما باید چه کار کنید، بلکه شما هستید که باید برای ما مشخص کنید کدام آیتم‌ها برایتان مهم است و ما آن آیتم‌ها را در قالب یک سری فیلد ارائه می‌کنیم و در نهایت سیستم خود را آن قدر انعطاف پذیر می‌سازیم که هر خروجی و هر نوع جست و جویی که شما خواستید بتوانیم در آن ببینیم.

افکاری: آیا این انعطاف در تمام فیلدها وجود دارد؟
صفیاری: هر سیستم مکانیزه دارای محدودیت‌هایی است اگر آن سیستم خوب طراحی شده باشد محدودیتش، آن قدر بالا می‌رود که ممکن است ظرف چند سال آینده به آن محدودیت برخورد نکند. اما اگر با یک دید سطح پایین با آن برخورد کرده و یک سیستم را طراحی کرده باشند ممکن است به محض این که به طور عملی این سیستم در یک کتابخانه مشغول کار شود با محدودیت‌ها برخورد می‌کنند و مجبورند آن سیستم را کنار بگذارند. نکته‌ای قابل توجه این است که باید یک استاندارد داشته باشیم و آن را در سیستم مکانیزه خود پیاده کنیم که از سلیقه‌های فردی جلوگیری شود. مسئله‌ای در سیستم‌های قبلی ما را خیلی اذیت کرد سلیقه‌ای رفتار کردن بود هر کسی می‌گفت آن کاری که من انجام می‌دهم درست است و روش کس دیگری را قبول ندارم. ما متأسفانه چون نمی‌دانستیم قضیه چیست وارد این بحث و میدان شدیم و تنها ماندیم. بعد از اینکه سیستم‌ها را ارائه کردیم دیدیم سلیقه‌ها متفاوت است در یک کتابخانه‌ای کار می‌کند و در جای دیگر جواب نمی‌دهد.

افکاری: این سیستم و سیستم‌های رایانه‌ای که دوستان توضیح دادند در خدمت این کار هست، و بسیار قابل انعطاف است. سؤال من این است که چرا اساتید این قدر در مقابل پذیرش کاربرگه مقاومت می‌کنند یا به نوعی پذیرش نتیجه‌ای که حاصل استخراج از خود این فهرس است. اگر واقعاً این کاربرگه بر اساس خود فهرس تنظیم شده و آیتم‌های آن بر آن اساس قابل انعطاف است و نتیجه آن هم اطلاع رسانی به متخصصان این حوزه است پس چرا این محدودیت و مقاومت از جانب اساتید وجود دارد که کم‌تر با این روش کار کنند؟

استاد منزوی: من به صورت علمی کار کردم. الان ۴۰ سال است که کار می‌کنم بعد از چاپ کار آقای افشار این نمونه

صفیاری:
هر سیستم مکانیزه دارای
محدودیت‌هایی است باید
یک استاندارد داشته
باشیم و آن را در سیستم
مکانیزه خود پیاده کنیم که
از سلیقه‌های فردی
جلوگیری شود.

خوبی است که به دست آمده و من می‌توانم از آن تبعیت کنم تغییر سلیقه دادن به این آسانی نیست.
افکاری: به هر حال شما این نتیجه و روش را در جهت تکمیل این عناصر می‌پذیرد؟

منزوی: بله، می‌پذیرم.

افکاری: شما چه طور استاد؟

انوار: بنده به طور کلی با این بساط رایانه‌کردن مخالفم. به طور کلی در کشورهای که تفکر یک مقدار عقب است چنان غرب زده می‌شوند که در طی این غربزدگی خیلی از چیزهای خوبشان را از دست می‌دهند که خود غربی‌ها الان فرار می‌کنند این مطابقت ریاضی جدید برای من می‌آید Mathematics انگلیسی همدستی آن را به کار بردند بعد دیدند سطح فکری بچه‌هایشان به قدری پایین آمده است که تمام آنها را کنار گذاشتند بعد گفتند هر کس می‌خواهد یا رضایت New Matematic کار کند. بعد از این که ما به دانشکده‌هایمان ریاضی جدید یاد دادیم در آنجا این تخصص را به دست آورد به مجرد این که یک چیز جدید آمد و ما بخواهیم تمام گذشته‌ها را روی آن پیاده کنیم، من مخالف نیستم رایانه باید باشد همان طور که گفتم شما در هر کتابخانه‌ای دو فایل بگذارید یکی فایل‌های رایانه‌ای و یکی هم همان فایلی که بنده می‌گویم ولی اینکه به طور کلی، نه در این مورد بلکه در هر مورد دیگری گذشته خودمان را فدای تکنولوژی بکنیم که هنوز معلوم نیست صحیح نیست یا هست، من مخالفم رایانه بعد از ۱۵۰ سال دیگر چه جور انسانی را می‌خواهد درست کند و حالا هم اجبار شده است که وارد کار شود و قبول هم دارم گرفتاری ما شینیم هم هست قبول دارم ولی این که همه چیز را پای آن بیازم قبول ندارم. قبول ندارم و نمی‌توانم هم داشته باشم، حالا این نظر را هر کس می‌خواهد مرا مرتجع بداند یا نظر متجدد بداند مثلاً در مورد صحافی، بنده کتاب را بعد از ۵۰۰ سال طوری نگاه می‌دارم که آسیبی نمی‌بیند ولی معلوم نیست کتابی که شما امروزه درست می‌کنید تا ۲۰ سال دیگر به همین صورت بماند.

یکی از بهترین صحافان تهران مرحوم با درام‌پور بود، ولی تمام کتاب‌هایش را اگر ببینید پشت جلدش پاره شده و ته‌آن در آمده است. علت آن هم چیست؟ علت آن این است که آن قدیمی تر بلد بود عطف را چگونه بگذارد. پس به این ترتیب که رایانه آمد ما باید همه چیز را به پای آن ببازیم من قبول ندارم برخی از آقایان مسائلی را گفتند که date up to است و باید کسانی که با رایانه کار می‌کنند یکی از این روش‌ها را مد نظر قرار دهند ولی این که چنان کنید رایانه آمد باید همه چیز را زمین بگذاریم این نیست ما فهرست نگار و کتاب‌خوان لازم داریم کسی هم که می‌خواهد کتاب بخواند باید چه طور کتاب بخواند و چگونه بنویسد حالا اسمش را کاتالوگ بگذاریم یا فهرست نگار نمی‌دانم. ماکسی را می‌خواهیم که در کارش عمق داشته باشد. حرف من این است و گرنه من نه با رایانه مخالفم و نه با چیز دیگر.

ولی به طور کلی خانم افکاری من با دانشکده کتابداری شما مخالفم. وقتی که شما می‌خواهید در کارهای علمی وارد شوید شاگرد باید آن قدر تجربه کرده باشد و آن قدر برای او مشکل حل شده باشد تا بتواند این کار را انجام دهد من مطلب دیگری را برای شما می‌گویم در حوزه قم وقتی ما می‌خواستیم صرف و نحو بخوانیم باید جامع المقدمات و سیوطی و شرح جامی و استرآبادی را می‌خوانیم ولی حالا مبادی الادب العربیه گذاشتند این جنایت است آن کسی که لیوجی را می‌خواند به نوعی تفکری را پیدا می‌کرد که آن کسی که فقه می‌خواند نیز همین تفکر را می‌یافت. همین تفکر در منطق هم بود. این چیزهایی است که نسل جدید باید روی آن حساب کند که اگر می‌خواهد غربی را بگیرد باید چه جور غربی را بگیرد. بحث من اینجاست و گرنه چه کسی با رایانه مخالف است هیچ کس نمی‌تواند مخالف باشد.

گل‌باز: می‌خواستم رفع ابهام شود فرمایشات جناب استاد برای ما بسیار گران قدر است و من می‌خواهم در تأیید فرمایشات خودشان خدمت شما عرض کنم، ده فیلدی که ایشان کار کردند به هیچ عنوان نامنظم نیست بر اساس کار برگه است یعنی با تجربه‌ای که در این چهار سال، خوب من تمام فهراس در واقع ۱۲۰ جلد فهرست مختلف با



گلباز:

ما خودمان را هیچ‌گاه در تمام فهرست‌نگار قرار ندادیم و نخواهیم داد چون جای ما جداست ما قرار نیست فهرست‌نگاری کنیم. قرار است همان مطالبی را که اساتید در فهرست‌هایشان نوشتند همان را به کار برده اطلاع‌رسانی کنیم.

سلیقه‌های مختلف و سبک‌های مختلف وارد رایانه کردیم. همان طور که اساتید فرمودند انعطاف مکانیزه کردن آن قدر بالاست که کاملاً می‌تواند تمام سبک‌ها و سلاقیق را در برگیرد یعنی ما به هیچ عنوان هیچ تعدیلی نکردیم امکان حفظ سلاقیق و سبک‌ها را باقی گذاشتیم. الان می‌خواهم عرض کنم این که آقای استاد می‌فرمایند این ابهام ایجاد شود که ایشان با نظم و انتظام و سبک یا سیستم مخالف هستند ایشان ذهن ریاضی دارند و استاد ریاضی هستند و آن کاری که در کتابخانه ملی انجام دادند کاری است که نام و نسبی دارد و منظم است به نسبت کاری در آن سال‌ها. این است که ما الان می‌بینیم استفاده از کار برگه کار جدید و نوینی نیست، چون فهرست‌نگاری ما اصولاً فهرست‌نگاری غربی است و ریشه غربی داشته است. غربی‌ها کار منظمی داشتند و کارشان دارای دو بخش کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی بوده است. گاهی اوقات در برخی از مقالات مطرح می‌شود و ما به قدری سبک‌های مختلف داریم که همه گیج و مات و مبهم شدند ولی اصلاً این گونه نیست من بر سر این موضوع حرف دارم و دلیل و برهان من هم کاری است که انجام دادیم یعنی در واقع تا الان این ۱۲۰ جلد فهرست‌نگار نشان داده است که این سبک‌ها از آن جایی که ریشه و اساس آن از حوزه غرب بوده است و به آن منظمی داده‌اند حالا نهایت تغییر سلاقیق این است که یک فرد یا محقق همان طور که فرمودند آن زمان این امکان را نداشته که آن مقاله یا مسئله و کشف علمی خود را که مغتنم است در جای دیگر بنویسد در فهرست می‌نویسد الان این تفکیک‌هایی که صورت گرفته و مجله‌های تخصصی که در این زمینه هست و فهرست‌نگاری شده است کم‌کم این‌ها به این ترتیب می‌شود که هر کس راه خودش را می‌رود فهرست‌نگار فهرست می‌نویسد و آن بحث مفصل تر را در مقالات علمی مفصل تر می‌کنند و این چیز جدیدی نیست کار برگه‌ای که آقای افشار در کتابخانه مجلس حتی این را کلیشه کردند در جلد هشتم مجلس در سال ۱۳۴۸ بوده است. بر اساس کار برگه حتی من با آقای افشار صحبت کردم و گفتم کار آقای انوار بر اساس کار برگه مشخصی بوده است و الان می‌فرمایند ما محدودیت داشتیم چون آن کار برگه بوده است محدودیت داشتند یعنی تقریباً ایشان هر نسخه‌ای را در یک صفحه خلاصه کردند در واقع این به هیچ عنوان دعوی نیست این کار برگه بوده و الان یک مقدار جزئی تر و ریز تر شده است به مرور زمان که جلوتر آمدند. خدا مر حوم دانش پژوه را رحمت کند می‌توانیم بگوییم ایشان نامنظم‌ترین فهرست نویس، بوده‌اند نامنظم از این جهت که هر کجا که به کشف جدیدی می‌رسیدند بلافاصله بدون این که جایش هست یا نیست به ذکر آن مطلب می‌پرداختند شاید این کار بر اساس صلاح دید ایشان بوده است. مادر مکانیزه کردن کار ایشان حتی که شاید سخت‌ترین بخش کار ما بود، در نشریه نسخ خطی که ایشان حتی یادداشت‌های شخصی می‌نوشتند مثل این که کنار فیش خود نوشتند «یادم باشد این را بنویسم» و همین عبارت در فهرست آمده است. این کار ایشان هم قابل تطبیق است وقتی که آقای عمرانی فرمودند کار ما وقتی شروع می‌شود که کار فهرست‌نگار تمام می‌شود اگر ما جامعیت فیله‌ها را در نظر بگیریم تمام فهرست‌نویس‌ها از هر توصیف درستی که استفاده کرده باشند از یک حدی خارج نیست وقتی ما در یک جامعه آماری جمع می‌بندیم، کل فهرس، جمع می‌بندیم مثلاً ۲۵ یا ۳۰ تا بر اساس جدیدترین کار برگه‌ای که آقای افشار فرمودند ۴۰ نامی دانم. مهم نیست. این‌ها قابل تعمیم است. از آن‌ها خارج نیست نهایتاً در فهرست‌های قدیمی تعدادی از آنها خالی می‌ماند. یعنی فهرست‌نگار به تعدادی از آنها اشاره نکرده است. استاد انوار به منابع و مأخذ اشاره نکردند ولی استاد منزوی اشاره کردند. آقای افشار بر افزوده‌ها را مفصل تر اشاره کردند و برخی از اساتید مختصر تر اشاره کردند. این در اصل مطلب تفاوتی ایجاد نمی‌کند. ما منابع مأخذ و بر افزوده و توضیحات فیزیکی برای نسخه داریم که مربوط به بخش نسخه‌شناسی است و یک بخش کتاب‌شناسی و یک بخش هم راجع به مؤلف داریم که تمام اینها قابل ارائه و تفکیک است. ضمن این که حتی برای حفظ سلاقیق که شما فرمودید ما متن اصلی فهرست‌ها را به عنوان کتاب الکترونیک یعنی همان صفحه با همان شکل و همان چیدمان که سلیقه استاد انوار یا سلیقه استاد منزوی بوده است برای مراجعه به کار برگه حفظ کرده‌ایم. اگر بر فرض به این طبقه‌بندی و تفکیک‌های ما اعتقادی نداشت و یا شاید حتی خواست آن را رد کند ما

گلباز:
من هرگز به این فهرست‌ها
به عنوان یک لیست و یا
چک لیست نگاه نمی‌کنم.
به نظر من اینها یک دایرة
المعارفی از علوم مختلف
بوده است مخصوصاً با آن
معضل‌گویی‌ها و مقالات
علمی که داخل آنهاست و
همه ارزشمند است

بگوئیم شما به متن اصلی مراجعه کن، شما این را کلیک کن همان صفحه فهرست می‌آید خودت ببین و تورق کن صفحات قبل و بعد را. یعنی در واقع این تکنولوژی جدید به ما این امکان را می‌دهد که فهرس اساتید عزیز و گران قدرمان بهتر و درکنار هم استفاده شود. رایانه به هیچ عنوان نمی‌خواهد جای فهرست نگار را بگیرد. چون هیچ محلی از اعراب ندارد که ما این را مطرح کنیم تا رایانه‌ای کاری انجام دهد، رایانه می‌تواند دسترسی را تسریع کند. در واقع به هیچ عنوان نقش دیگری ندارد به خصوص که شخص من و در مورد سایر آقایان هم مطمئنم که همین طور هست یعنی ما خودمان راهیچ‌گاه در تمام فهرست نگار قرار ندادیم و نخواهیم داد چون جای ما جد است ما قرار نیست فهرست نگاری کنیم. قرار است همان مطالبی را که اساتید در فهرست‌هایشان نوشتند همان را به کاربرگه اطلاع‌رسانی کنیم. بحث ضرورت و محدودیت که همه اساتید به آن اشاره کردند یک نکته را اضافه می‌کنم. ما در خلأ که زندگی نمی‌کنیم. نمی‌خواهیم بگوئیم برای ما هیچ اثری نداشته باشد تمام اساتید از ۵۰ سال گذشته فهمیدند که محدودیت‌هایی داشتند و حتی محدودیت در بودجه، صفحه کتاب و ریاست. ریاست‌ها تغییر می‌کرده و برای فهرست نگار اعمال‌هایی می‌شده است این محدودیت‌ها هنوز هم وجود دارد چون دنیای واقعی مجموعه‌ای از همین محدودیت‌هاست. آخرین تخمین آقای رحیمی ریشه که دقیق‌ترین تخمینی است، نزدیک به نیم میلیون نسخه خطی در ایران است تمام آمارهای گذشته الان تغییر کرده است یعنی به اصطلاح با چیزهای جدیدی که انجام شده است. تصور می‌کنید چه تعداد از این کتاب‌ها فهرست شده است. ۱۲۰/۰۰۰ جلد. خوب بسیار کم است. حدوداً ۱۳۰/۰۰۰ جلد یعنی از یک سوم کم‌تر. جذب این برای یک ضرورت و محدودیت برای ما ایجاد می‌کند. همان طور که استاد انوار فرمودند هنوز هم یک فهرست کوچک یا یک فهرست نام‌گوی ضروری‌ترین مبحث برای یک محقق و یا یک دانشجوی دوره دکتری است، نام و مکان کتاب را می‌خواهد و اصلاً شاید نخواهد به ریز قضایا بپردازد. ما حداقل‌هایی را نداریم. در حال حاضر بر سر همین مثنوی فهرست نشده ممکن است هر بلایی سرش بیاید ممکن است سرقت شود یا جا به جاشود یا هزار پیش‌آمد برای آن به وجود آید.

پس ضرورت‌ها و محدودیت‌ها برای ما ایجاد می‌کند که وقتی می‌خواهیم کاربردی حرف بزیم و در واقع می‌خواهیم یک باری را از روی زمین برداریم و یک مسئله و مشکلی هست که ما می‌خواهیم آن را حل کنیم، بالاخره میراثی هست که می‌خواهیم آن را بشناسیم. اول از رتبه‌بندی شروع می‌کنیم. این ضرورت‌ها بوده است که سلاقی خیلی از وقت‌ها این ضرورت‌ها را ایجاد کردند و آن بحث نظم و نسب بوده و من در این کارم دیدم و از این نظم‌ها استفاده کردم. اتفاقاً از نظر تاریخ زمانی منظم‌ترین بخش فهرست متعلق به استاد انوار است چون بر اساس کاربرگه در آن سال بوده‌اند. ما هیچ مشکلی با فهرست شما نداریم. استاد منزوی هم همین طور، می‌فرمایند کار من دیمی است به دلیل تواضع بسیاری است که دارند باعث می‌شود که این حرف را بزنند در حالی که منظم‌ترین فهرست‌ها متعلق به ایشان است. فهرست‌ها و یا فهرسی که ایشان برای نسخ خطی ایجاد کردند نشان دهنده این است که ایشان به صورت کاربردی و ضرورتی بر مسئله نگاه می‌کرده است نه حجمی. به قول آقای اشکوری... یعنی خود آقای اشکوری که جایشان اینجا خالیست، ایشان هم همین طور، فهرست‌های ایشان و فهرست سایر فهرست‌نگاران عزیز که به ایشان تاسی کردند می‌بینیم که کار دارای نظم و جاذبه و استراکچر Structure است که بر اساس آن خیلی راحت می‌توان آن را مکانیزه کرد و الان انجام شده است. این رفع ابهام‌شود که به هیچ عنوان تعارضی نیست.

افکاری: همان طوری که فرمودید قطعاً اساس و بنای کار فهرست‌نویس نظم و دقت است و حتماً تفکیک دو بخش نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی که اساتید به آن اعتقاد دارند بنای این دو قسمت را تشکیل می‌دهد و هم باید رعایت شود. سؤالی که من از جناب عالی و سایر دوستانی که زحمت ورود اطلاعات را می‌کشند این است چه مقدار انواع روش‌های فهرست نگاری در کار ورود اطلاعات شما تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال انواع فهرست‌های نام‌گو،

فهرست‌های توصیفی و فهرست‌های تحلیلی که استاد انوار هم به آن اشاره کردند و یا فهرست‌های بسیار مفصلی که استاد علی نقی منزوی در مجلدات اول دانشگاه سپهسالار مرقوم فرمودند و مجلس و جاهای دیگر. چه مقدار در دست‌یابی به فیلدبندی کار شما تأثیر دارد؟ چون همان طور که جناب عمرانی و دوستان فرمودند شما می‌بایست عناصر نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی و یا فیلدهای مشخصی را که مدنظرتان است از بطن فهرست جدا و استخراج کنید طبیعتاً زحمت این استخراج با شماست و یا با همکاری فهرست نویس که این عناصر را تفکیک کند انواع این فهرست‌ها چه قدر در کار شما مؤثر است و یا اصلاً تأثیری دارد یا خیر؟

گل‌باز: خوب، مسلماً مؤثر است. تأثیر آن تأثیر زیادی نیست که بخواد در مدیریت کار نقشی داشته باشد. همان طور که خدمت شما عرض کردم تفاوت عمده در مفصل و مختصرگویی است که راجع به مؤلف گفته می‌شود یعنی یک بیوگرافی خواهیم داد. به قول استاد منزوی گاهی اوقات یک زایچه گفته می‌شود یعنی تاریخ تولد، تاریخ فوت و عنوان آن، مشهور است به این عنوان و لقب آن بستگی به صلاح دید مختلف دارد که گاهی اوقات در حد یک سطر راجع به مؤلف گفته می‌شود که خوب باز هم راجع به مؤلف است یعنی بیوگرافی است.

افکاری: پس اگر بیشتر هم باشد جایی لحاظ نمی‌شود. فقط شما می‌گویید مؤلف و توصیفات مربوط به آن. گل‌باز: ما برای حل این مسئله یک راه حل میانی را در نظر گرفتیم، یک فیلد بسته به نام، مؤلف قرار دادیم یعنی توضیحات در رابطه با مؤلف این‌ها را یک فیلد کردیم در واقع به خاطر حل آن مسئله و چون این اعتقاد را داشتیم که هر کلمه‌ای از فهرست‌ها ارزشمند است. این اعتقاد شخصی من بوده است. همان طور که استاد فرمودند من هرگز به این فهرست‌ها به عنوان یک لیست و یا چک لیست نگاه نمی‌کنم. به نظر من اینها یک دایره‌المعارفی از علوم مختلف بوده است مخصوصاً با آن معضل‌گویی‌ها و مقالات علمی که داخل آنهاست و همه ارزشمند است برای اینکه این‌ها را از دست ندهیم اینها را داخل یک فیلد باز به نام توضیحات قرار دادیم. فیلد توضیحات محدودیتی ندارد. وقتی که فهرست نگار از فهرست نگاری خارج و به مقاله نویسی وارد می‌شود، ما آن را به آن فیلد باز بردیم به نام توضیحات درباره مؤلف، توضیحات درباره کتاب. گاهی اوقات مطالبی که طولانی می‌شود راجع به نسبت دادن این کتاب بود. شک و تردیدی وجود نداشت. شکی که در رابطه با نسبت این کتاب به این فرد بود. فهرست نگار باید این نسبت را رد یا تأیید می‌کرد. از جاهای مختلف دلایلی می‌آورد که آیا این به این مؤلف نسبت دهد یا نه؟ این را ما باز در فیلد توصیفات آوردیم که از دست نرود چون ارزش دارد. ضمن اینکه باز در هر قسمت امکان ارجاع به متن اصلی را برای حل مسئله حفظ کردیم. چون ما ناچار بودیم. ۴۵۰ جلد فهرست چاپ شده موجود است اگر چاپ دکتر عظیمی می‌فرمایند که روش‌هایی در رابطه با مستندسازی داریم اینها از این به بعد است. ما فعلاً ۴۵۰ عنوان فهرست چاپ شده موجود در ایران داریم.

حالا با اینها چه کنیم؟ آقای حائری معتقدند که تمام اینها باید بازبینی شود و غلط‌های آن پیدا شود که این کار عمر نوح را می‌طلبد ولی اگر از دید ضرورت و واقع‌بینی نگاه کنیم به امور شدنی می‌رسیم. امور شدنی ما این است که همان طور که آقای صفیاری فرمودند ما نهایت دسترسی به متن دستی را برای کاربرگ حفظ کنیم در واقع در این قسمت امانتداری کنیم نسبت به هر کلمه فهرست نگار. نقش میانی ما این می‌تواند باشد ما هیچ کار دیگری نمی‌توانیم بکنیم که این بحثی است جدا.

عمرانی: همان قدر که من از آن طرف انعطاف نشان دادم و به هر صورتی که سلیقه دوستان است عمل کردم از این طرف انعطافی ندارم. یعنی روزی که فهرست شما بخواد تبدیل شود و اطلاعات شما به نرم‌افزار من بیاید با آن فیلدهای توضیحات شما ما مشکل پیدا می‌کنیم در نتیجه من تمام این فیلدهای توضیحات شما را آن‌گلو امریکنی دیدم ACRL دیدم و یا مارک. بنابراین از دل مارک این را در آوردم که توضیحات مؤلف کجا می‌رود که اگر فردا لندن یا لایدن و یا مارک فرمت خواست فهرست مرا ببرد اینها گم نشود. بنابراین من آن انعطاف را این طرف می‌بینم که

سلیقه فهرست نگار درست است که بحث استاندارد با حرفی که من می‌زنم ظاهرش کمی متفاوت است نه من می‌گویم استاندارد نیست این سلیقه می‌شود استاندارد بومی ما. استاندارد نباید محدودکننده باشد و مسائل بومی ما را تحت تأثیر قرار دهد. ما استاندارد بومی خودمان را می‌خواهیم. می‌توانیم پیشنهاد کنیم. مثلاً اگر از من بخواهند پیشنهاد کنیم الان با حضور تمام اساتید می‌گویم بیائید پیشنهاد کنید و کار برگه ایرج افشار را به رأی بگذارید. و از این به بعد این استاندارد کار ما شود.

پس بنابراین وقتی شما کار برگه را تعریف می‌کنید فیلدهای گذشته شما درون فرمت‌های جدید شما می‌نشیند. این استاندارد بومی ما می‌شود آن را با استانداردهای خارجی چگونه ارتباط می‌دهیم با خروجی استاندارد ما. بنابراین ما در این سمت این انعطاف را داریم که سلیقه فهرست نگار خطی حفظ شود. ما باید کارمان را از زمانی شروع کنیم که فهرست نگار کارش را تمام می‌کند. این باید کاملاً رعایت شود. اگر فهرست نگاران بر سر کار برگه آقای افشار بیشترین تعداد فیلد و عنصر و جزئی‌ترین عناصر را در اختیار ما می‌گذارند. این را استاندارد بومی خود قرار دهیم. اساتید بزرگ آن را دریافت کنند و راجع به آن فهرست نظر بدهند و نظراتشان را در مورد آن بگویند تا اصلاح شود. این پاسخ و پرسش را با اساتید قدیمی داشته باشیم در نتیجه آن کار برگه حاصل را استاندارد بومی قرار دهیم.

عظیمی: من خدمت آقای عمرانی عرض کنم که ما باید دقت کنیم تا به مشکلی که قبلاً دچار آن بودیم از این به بعد دچار نشویم. یعنی ما به نحوی شاهد اختلاف سلیقه در شیوه‌های فهرست‌نویسی اساتید بودیم، اگر از شیوه‌ها بگذریم، در فهرست‌ها اختلافاتی را می‌دیدیم در این بومی‌سازی استاندارد و در جواب آقای محمدی فرکار برگه که ما برای نسخ خطی کتابخانه ملی ایجاد کردیم، مسئله استاندارد در آن بسیار مدنظر قرار گرفت و در بحث آن در قسمت تحلیلی قطعاً استاندارد را رعایت می‌کنیم در سرشناسه هم همین‌طور. در توصیفی آن که پنج ناحیه در آن ذکر شده است طبیعتاً باید آن را با مواردی که لازم داریم تطبیق می‌دادیم. عناصری که در نسخ خطی لازم داریم مخصوصاً در بحث نسخه‌شناسی، آنها را با یک شکل تطبیقی کار وارد کردیم و نهایتاً با آن تدوین کار برگه به این سمت جلو رفتیم که بتوان اساس و قواعدی برای استانداردسازی مرحله بومی، همان‌طور که آقای مهندس عمرانی می‌فرمایند، ایجاد کنیم. یعنی کتابخانه ملی یک کار برگه رایانه‌ای برای خودش دارد و فکری کند و او ادعای کند به اصطلاح نزدیک به استاندارد است یا لا اقل همان اصطلاحی که ایشان به کار می‌برد بومی‌سازی محلی و استانداردسازی محلی است و کتابخانه‌های دیگر هر کدام کار برگه‌های دیگری دارند. دست کم در این زمینه‌ها باید نشست‌هایی با هم داشته باشیم. با یک کار برگه‌ای که قاعدتاً می‌تواند بخش‌های باز و آزادی داشته باشد. ممکن است بنده ادعا کنم که در این فیلدهای متعددی که در کار برگه استاد افشار باشد و هست شاید الان لزومی نداشته باشد که ما ریز وارد شویم. شاید ادعای من این باشد. عیبی ندارد. در عین حال راجع به آن بحث می‌کنیم و قبول می‌کنیم، این به عنوان یک کار برگه رایانه‌ای و استاندارد بومی باشد منتهی بنده آزادم این بخش را پرکنم و یا این فیلد را خالی بگذاریم. عیبی ندارد. منتهی باید دست کم در این بحث استانداردسازی وحدت رویه‌ای داشته باشیم که چند سال بعد نگوئیم این برنامه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزاری خطی که این چند مرکز مهم داخلی انجام دادند، در موردشان فکری کنیم که یک دست شود. اگر مشکلی پیش نیاید. از این به بعد باید هماهنگ و یکدست عمل کرد و قاعدتاً هم می‌توان این کار را کرد. ما از موضع کتابخانه ملی آمادگی داریم. قطعاً مهندس عمرانی که خودش را به نحوی در کنار کتابخانه ملی می‌بینند و ما هم در کنارشان هستیم و هم چنین دوستان دیگر هم در جاهای دیگر. امیدوارم افتخار این را داشته باشیم که با وحدت جلو برویم. وحدت کار برگه ان شاء الله.

افکاری: همان‌طور که جناب آقای عمرانی هم فرمودند طبیعتاً اساس کار و عناصر تشکیل دهنده کار برگه یکی است ولی اگر قرار باشد خروجی را بر اساس سلیقه هر کتابخانه بگیریم باز هم به آن کار برگه واحد نخواهیم رسید و آیا اصولاً لازم است که به این کار برگه برسیم، یا خیر؟



زین العابدینی:

مسئله مشترک همه ما
استاندارد است و لزوم این
که این استاندارد جایی
وجود داشته باشد و جایی
تصمیم‌گیرنده باشند که این
استاندارد به وجود آید ما
استانداردی داریم که باید به
آن وفادار باشیم. این
استاندارد باید حرف همه ما
را بزند و انرژی‌های کمتری
از ما بگیرد.

عمرانی: ما خروجی رادرواقع براساس فیلدهایی که داریم، چون شما الان به فهرست‌لندن یا گلدن گیت مراجعه کنید سه یا چهار خروجی را به شما می‌دهند. شما خروجی تک فرمت بگیرید به شما می‌گوید شماره ۲۴۵ من این است و شماره ۱۰۰ و یا ۲۰ من این است. آن بیشتر برای کامپیوتر من‌ها جهت انتقال داده‌ها مورد استفاده است. یک خروجی به شما لیبیل فرمت formatable به شما می‌دهد و می‌گوید تایتل title و آغاز و انجام من این است. یک خروجی دیگر به شما می‌دهد که در واقع خروجی کارت برگه است که شما می‌توانید کاربرد برگه داشته باشید مثل کاربردهایی که استاد فرمودند که در کنار فهرست فلان آن کاربرد برگه قدیم را حفظ کند. می‌تواند خروجی چاپی داشته باشد. یعنی خروجی که درست مانند صفحات کتاب فهرست نسخ خطی کتابخانه مرعشی یا کتابخانه مرکزی است که ما آن جا چهار تا فرمت خروجی می‌گذاریم، بعد با هر فرمت که آشنا تر بود و عادت بیشتری داشت، آن فرمت را انتخاب می‌کنیم و می‌بیند و آن فرمت را می‌تواند پرینت هم بگیرد. بنابراین دلیل این که ما می‌گوییم امروزه با خروجی استاندارد اصلاً مشکلی نداریم این است که شما وارد هر نرم‌افزاری که می‌شوید می‌بینید، سه، چهار خروجی به شما می‌دهند که یکی از آنها خروجی استاندارد است پس بنابراین مشکل خروجی نداریم.

افکاری: پس بر این اساس که می‌فرمایید ما نمی‌توانیم یک کاربرد برگه خاص کتابخانه‌ای با این مشخصات داشته باشیم. منظور من این است که بتوانیم بگوییم مثلاً خروجی British library به این صورت است؟ یعنی آن خروجی خاص را به نام آن کتابخانه بپذیریم. شما می‌فرمایید براساس هر مخاطبی یک نوع خروجی خواهیم داشت.

عمرانی: خروجی ما متنوع است. شما اسم یکی از این چهار خروجی که دارید بگذارید خروجی کتابخانه مرکزی اختصاصی کتابخانه دانشگاه تهران. شما می‌توانید این کار را برای خودتان انجام دهید. ولی آن طرف قضیه شما با دنیارو بهر و هستید. به هیچ وجه معلوم نیست یک دانشجوی دکتر که در لیدن که در اینجا به یک کتاب بوعلی احتیاج دارد با خروجی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آشنا باشد. ممکن است دانشجوی ریاضیات باشد و در مورد تاریخ ریاضیات کار می‌کند و باید با کاربرد برگه‌های لی بل فرمت خیلی آشنا باشد. او انتخاب می‌کند. شما استانداردهای جهانی را می‌بینید استاندارد بومی و محلی خود را هم ببینید. این استاندارد کتابخانه مرکزی دانشگاه است.

زین العابدینی: نکته‌ای که می‌خواستم به آن اشاره کنم این است که اصلاً هدف مان چیست؟ واقعیت این است که این مشکلات خاص کشور ما نیست این مسائل مورد توجه کشورهای دیگر نیز بوده است و به شکل دیگری آنها نیز همین نسخ خطی را داشتند و همین مشکلات فهرست‌نگاری را داشتند و شاید از ابتدای قرن ۱۹ تا ابتدای سال ۱۰-۱۹۱۵ به طور مشخص به این مباحث دامن زده شده است. بحث استانداردهای مختلف کتابخانه بیان می‌شود که یکی از مواردی که در کتابخانه‌ها مورد توجه بوده نسخ خطی بوده است و بعد هم داستان استانداردها پیش می‌رود تا به این که به رایانه می‌رسد و به جای خودش می‌رسد و جایی که همه با هم تفاهم پیدا می‌کنند یعنی تمام این سیاق و نوشته‌ها و تجربیات مختلف در جایی پیوند و گره می‌خورند آن نقطه‌ای که با هم اتصال پیدا می‌کند استاندارد است. استاندارد می‌تواند مورد پذیرش ما باشد ما خودمان می‌توانیم آن را کاستومایز customize و کم و زیاد کنیم یا خیر. اما مسئله مشترک همه ما استاندارد است و لزوم این که این استاندارد جایی وجود داشته باشد و جایی تصمیم‌گیرنده باشند که این استاندارد به وجود آید وقتی این بحث پیش آمد من فهرست‌ها را یک بار دیگر توریق و مقایسه کردم ببینم اطلاعاتی که می‌خواهم در نسخه مورد نظر پیدا می‌کنم. چگونه عمل کنم. باز هم با این مشکل مواجه شدم که هر کدام از اساتید یک سری از اصول و فیلدها را برای خودشان در نظر گرفتند و با یک بیانی به آن اشاره کردند. من نخست باید با این بیان آشنا شوم و بعد اطلاعات مورد نظر من را به دست آورم و این مشکل دقیقاً درباره اطلاعات رایانه‌ای ما هم به وجود آمده است و ما استانداردی داریم که باید به آن وفادار باشیم. این استاندارد باید حرف همه ما را بزند و انرژی‌های کمتری از ما بگیرد. در حال حاضر همه حسابگر شده‌اند و فکر می‌کنند چه قدر زمان بگذارند و چه قدر فیدبک feedback داشته باشند. در گذشته من در اداره برای یک درخواست نامه می‌نوشتیم ولی

موسوی چلک:
کاربرگه استاندارد باعث
 می‌شود خروجی خوبی
 داشته باشیم. در حال
 حاضر ما در ایران این
 وضعیت را نداریم
 کتابخانه ملی وظیفه دارد به
 عنوان نهادی که
 استانداردسازی می‌کند با
 تمام افراد متخصص
 همکاری کند.

الان به من فرم دادند این همان کاربرگه و فرم است که باید مواردی را که می‌خواهی تیک بزنی و چیزهایی را که لازم داری اضافه کنی.

اساتید گذشته زحمات بسیار زیاد و ارزشمندی کشیدند و با جسارت پا بر روی تجربیات گذشتگان می‌گذاریم. مسئله‌ای که در تجربیات گذشتگان و اساتید ما بارز است این است که هر کدام از اینها از گذشته به یک زبانی برای خودشان رسیده‌اند و اطلاعات فهرست‌نگاری خودشان را با آن زبان بیان کردند، یعنی هر کدام از اساتید مشخص کردند که برای این قسمت از اطلاعات توصیفی یا یادداشت‌های مختلف چه بیانی را به کار ببرند. این کاملاً فردمدار و نهادینه در درون آن فردی است که آن کار را انجام می‌دهد. فردا که من می‌خواهم با این نیم میلیون نسخه سروکار داشته باشم چه باید بکنم. باید انسانی را تربیت کنم تا بتواند در مرز ۴۰، ۵۰ سالگی بتواند این کار را انجام دهد یا خیر؟ من از پیش باید بگویم که چه چیزهایی می‌خواهم. شما این دانش را دارید پس این دانش را در قالب ذوق و سلیقه فردی خود بریزید و این همان تجربه گذشتگان است.

مسئله دیگر آنکه خوشبختانه کاربرگه به هر شکل و چیدمانی باشد، شما هر فیله‌ای را در آن قرار دهید می‌توانید اطلاعات را به هر طریقی که می‌خواهید بر اساس نیاز کار برتان ارائه کنید. شاید اصلاً کاربر من فقط قسمت خاصی از آن اطلاعات را نیاز داشته باشد. بر این اساس تفاوتی ندارد که اول عنوان نوشته باشید یا چیز دیگری. این توالی برای فهرست‌نویس و کسی که می‌نویسد اهمیت دارد. اشاره به این مسئله می‌کنم که وقتی که بحث رایانه و دنیای جدید پیش می‌آید که چگونه تمام عناصر آن باید در کنار هم باشند. برخی از نسخ خطی فقط یک نسخه است و در یک جا نگهداری می‌شود و بسیاری محدودیت‌ها برای دسترسی دارد. همان سخنی که استاد انوار فرمودند که این نسخه باید شناسانده شود و مشخص شود که این نسخه چیست و من بتوانم اطلاعات را به دست آورم، فرضاً این نسخه در کشور دیگری یا یکی از شهرهای ایران است که دسترسی به این نسخه به چه طریقی است؟ از طرفی ما باید امکانات را فراهم کنیم که این نسخه شناسانده شود، در غیر این صورت اگر شناسانده نشد این دسترسی باید سهولت داشته باشد. یعنی فهرست من چه هدفی دارد؟ آیا فقط می‌خواهد بگوید این کتاب‌ها موجود هستند و بس و یا اینکه می‌خواهد باعث سهولت دسترسی شود و مورد استفاده قرار گیرد. بحث محتوایی آن شاید یک پایه دیگری باشد. یعنی ما بعد از طی این مرحله باید به آن بحث محتوایی برسیم. این بحث پراهمیت و مورد توجهی است که هم بتوانیم با جهان رابطه برقرار کنیم و هم از تجربیات گذشتگان استفاده کنیم و هم این منابع ارزشمند را به دست کسانی برسانیم که از آن استفاده کنند.

جمع‌بندی می‌کنم و در نهایت این عرض را دارم بنا بر تجربه تمامی شرایط دو سال پیش نرم‌افزارهای مختلف و کاربرگه‌های نسخ خطی مختلف را در نظام رایانه‌ای و این که با دیتاها تست شده بودند، بررسی کردیم. کتابخانه ملی و آستان قدس و مرعشی و جاهای مختلف دیگر بر روی آن کار کرده بودند. آستان قدس آن زمان که ما بررسی کردیم فیله‌های دقیق و با امکانات بسیار زیاد داشت که بر اساس تمام نیازها می‌توانست این مشکلات را حل کند، جای دیگری همان اطلاعات و فیله‌ها را به شکل و سلیقه و تخصص دیگری کنار هم چیده شدند و جاهای مختلف هم همین کار را کردند. چه قدر انرژی صرف شده و چه قدر پشت هر کدام از آنها دانش نهفته است یعنی پس از بررسی به این فیله‌ها و کاربرگه واحد رسیده است. لازم است که اینها جایی مورد توجه قرار گیرد و این استانداردسازی کاربرگه‌های موجود مورد توجه باشد. زبان مشترک پیدا کردن در تبادل اطلاعات آنها، یعنی اگر این فهرست‌ها در کتابخانه مرعشی موجود است و آنها این کار را کردند، چرا این انرژی باید در جای دیگری صرف شود و واقعاً لازم است آن جایی که کار محتوایی و با پایه و اساس انجام شده است مآل را اساس و پایه قرار می‌دهیم و در کنار آن، همان چیزی که جناب عمرانی فرمودند، دوباره ببینیم این فیله‌ها لازم است یا نیست و اطلاعات را سطر بندی کنیم. این اطلاعات و فیله‌ها برای این استفاده خاص و این اطلاعات و فیله‌ها برای این مخاطب خاص.

موسوی چلک:

اختلاف نظرهایی بین

فهرست‌نویسان نسخ

خطی هست. بالاخره

وقتی می‌خواهد استاندارد

در بیاید فیلدها باید با

افراد مختلف و با

ژنچ ژسه (یوزرهای)

مختلف به بحث گذاشته

شود تا یک فیلد و کار برگه

کاملاً استاندارد در بیاید

افکاری: جناب آقای موسوی چلک و جناب آقای دکتر آزاده تجربه بسیار خوبی در رایانه‌ای کردن فهرس کتابخانه مجلس دارند که استفاده می‌کنیم.

موسوی چلک: من چندین سال است که فهرست‌ها را بررسی می‌کنم و مدیر گروه ارزیابی نرم‌افزاری گروه فهرست خطی هستم. در نسخ مختلف نوسا، دست‌نویس و پارس آذرخش در کتابخانه‌های مختلف کار کرده‌ایم همه اینها را بررسی کردیم، اما واقعاً نمی‌توانیم بگوییم کدام یک از آنها استاندارد کار کردند. متأسفانه هیچ‌کدام از آنها استاندارد نبودند، اما کتابخانه‌آستان قدس بهتر کار کرده است. مشکل بحث تبادل اطلاعات بین نرم‌افزارهاست. دو سال پیش خواستیم دوباره ارزیابی کنیم، اما به این نتیجه رسیدیم که بهتر است ارزیابی نکنیم چون واقعاً نتیجه‌ای ندارد و اتفاق خاصی نیفتاده و جدیداً هیچ استاندارد کار نشده است. مقالاتی درباره نسخه‌های خطی نوشتم که برخی مطالعه فیلدهای مارک بر نسخه‌های خطی است که چاپ شده است و می‌توان از آن استفاده کرد و بحث تبادل اطلاعات و اطلاع‌رسانی دقیق به مراجعان را نباید فراموش کرد.

اختلاف نظرهایی بین فهرست‌نویسان نسخ خطی هست. بالاخره وقتی می‌خواهد استاندارد در بیاید فیلدها باید با افراد مختلف و با users (یوزرهای) مختلف به بحث گذاشته شود تا یک فیلد و کار برگه کاملاً استاندارد در بیاید نه اینکه این کار برگه به کتابخانه مجلس راه یابد و با کتابخانه ملی باید فرق داشته باشد. یک کار برگه استاندارد است و اطلاعاتی ممکن است به کتابخانه مرکزی وارد شود و یا اینکه وارد نشود. از فهرست‌های جدیدی کار آقای عظیمی را دیدم که در قسمت تحلیلی آن به صورت مستند کار کردند و مسندسازی شده است و احساس کردم بسیاری از مراجعان در بازایی اطلاعات مشکل دارند. به فرض می‌خواهند کتابی پیدا کنند در مورد کتب خطی به هیچ وجه نمی‌توانند این کار را انجام دهند به جز این که مستقیماً به اساتید مراجعه کنیم و مثلاً پرسیم آیا کتابی راجع به قناعت هست یا خیر؟ اگر ما این استاندارد را در کار برگه اطلاعات رعایت نکنیم مطمئناً در بازایی اطلاعات دچار اشکال هستیم. تمام کارها در تهیه کار برگه خلاصه می‌شود. کار برگه استاندارد باعث می‌شود خروجی خوبی داشته باشیم. در حال حاضر ما در ایران این وضعیت را نداریم در کتابخانه مجلس، مسندسازی را شروع کردیم اول مخالفت‌هایی شد اما استاد حائری خودشان به کمک ما می‌آیند اگر در سرشناسه آن مشکل داریم در مسندسازی آن به ما کمک می‌کند و اکنون هم متوجه شدیم که واقعاً تأثیر می‌گذارد. ما اسامی مختلف داریم. فهرست‌نویسان مختلف اسم یک شخص را به اشکال مختلف بیان کردند موضوعات در یک فهرست به اشکال مختلف است. یک نفر راجع به طب و دیگری راجع به پزشکی نوشته است. واژه‌هایی به کار رفته که در بازایی مخصوصاً بازایی رایانه‌ای دچار اشکال هستیم و تنها راه بازایی بر اساس عنوان کتاب و موضوع باید خیلی دقت داشته باشیم که مسندسازی موضوعی را در اولویت کاری قرار دهیم تا حداقل بتوانیم در باره این موضوع بگوییم این کتاب‌ها و نسخ خطی هست. اما در باره کار برگه؛ به نظر من کتابخانه ملی متولی سازمان دهی منابع است. اگر قرار است کار برگه‌ای بیرون بیاید که استاندارد باشد به نظر من کتابخانه ملی باید این کار را انجام دهد و کتابداران و کتابخانه‌ها باید تابع استاندارد باشند که کتابخانه ملی ایجاد کرده است.

کتابخانه ملی وظیفه دارد به عنوان نهادی که استانداردسازی می‌کند با تمام افراد متخصص همکاری کند. اما کسی که پیشنهاد می‌دهد که این کار برگه به عنوان کار برگه استاندارد با یونی مارک است یا مارک ۲۱ کتابخانه ملی باشد، در حال حاضر دقیقاً بر سر همان یونی مارک و مارک ۲۱ بحث است و شخصی مارک ۲۱ را می‌گوید و یونی مارک را کتابخانه ملی پیشنهاد می‌کند و در سازمان‌های بین‌المللی کتابخانه ملی را به عنوان یک سازمان متولی در امور سازمان دهی و استاندارد می‌شناسند نه این که کتابخانه نظر شخصی اش را اعمال کند. نظر تمام اساتید باید گرفته شود و کار برگه‌های مختلف باید دیده شود، و این را به عنوان استاندارد معرفی کند و دست‌نامه‌ای به عنوان دست‌نامه فهرست‌نویسی نسخ خطی تهیه کند و در اختیار فهرست‌نویسان قرار دهد.



جعفری مذهب:
به عنوان یک کاربر
می خواهم بدانم فهرست
شما برای من کارایی دارد و
آیا جوابگوی نیازهای من
است یا خیر

جعفری مذهب: اول باید بگویم که من نه فهرست نویس هستم و نه کتابدار. چون معتقدم حرفی بزنم که کم تر از سایرین مسئولیت داشته باشد. من به عنوان یک کاربر صحبت می کنم. ظاهراً هیچ مارک و استاندارد و هیچ تغییر رئیس و سازمانی بر روی من تأثیر نمی گذارد و به عنوان یک کاربر حق دادن هرگونه پیشنهاد و ارائه هرگونه سؤالی را دارم و شما باید که باید به آن جواب دهید و من هم از این فرصت سوء استفاده می کنم و تمام سؤالاتی که دارم و شما باید راجع به آن ها فکر کنید، اگر از خود پرسید به شما می گویم و اگر هم پرسید به عهده شماست، سؤال را مطرح می کنم، البته سؤالاتی را که اینجا مطرح می کنم بعداً منتشر خواهد شد.

ظاهراً در تمام بحث هایی که می آید نظر بنده در نظر گرفته نمی شود یعنی نظر کاربر خواسته نمی شود. عده ای کسانی هستند که فهرست تهیه می کنند و عده ای هم هستند که قرار است خرو جی فهرست را داشته باشند، صحبت می کنند.

افکاری: ظاهراً کاربران باید بر آن اساس نیازشان را بر آورده سازند.

جعفری مذهب: نه کاربران آزادتر از این هستند. یعنی از آن اساس استفاده می کنند ولی پیشنهادهایی که می کنند و سؤالاتی را که می پرسند و می گویند این چیزی را که من می خواهم چگونه می خواهی به من بدهی؟ دست شان باز است که این را راحت بپرسند. این مشکل شماست که باید آن را تسهیل کنید. من از این بحث هم سوء استفاده می کنم. من هیچ دعوی بر سر تحلیلی کار کردن ندارم فقط به عنوان یک کاربر می خواهم بدانم فهرست شما برای من کارایی دارد و آیا جوابگوی نیازهای من است یا خیر و تاکنون تجربه نشان داده است که هیچ نسخه خطی دوبار فهرست نشده است، بنابراین در همان یک بار باید تمام سؤالاتی را که کاربران نسل آینده نیاز دارند، اگر درست باشد که از پانصد، ششصد هزار نسخه خطی فارسی یا نسخه خطی در ایران صدوسی، چهل هزار تا از آنها که کم تر از یک سوم است فکر کنید که کم تر از یک سوم است، فهرست شده، دیگر فرصت فهرست مجدد نیست مگر اینکه سرعتی بگیرد که بتوانیم این کار را زودتر انجام دهیم. بنابراین باید به همان فهرست نویس اول آگاهی های بیشتری درباره نیازهای کاربران داد. یعنی فیله های بیشتری را برای آن در نظر گرفت که کاربر در هر نسلی بتواند از آن فهرست استفاده کند. تجربه نشان می دهد که یک بار بیشتر نمی توان یک کتاب را فهرست کرد.

یعنی اگر به نسخه شناسی اعتقاد ندارید و فکر می کنید فقط باید شش عنوان و فیلدا در کتاب شناسی در نظر گرفت دیگر آن چند هزار نسخه در پاکستان دوباره فهرست نمی شود و بسیاری از مسائل در آن مجهول باقی می ماند. استاد منزوی شما ده پانزده سال از عمرتان را در پاکستان گذاشتید و ده، پانزده جلد کتاب به ما دادید. حالا فیله هایی در آن خالی است که نمی دانیم با آن چه کار کنیم.

مسأله دومی که می خواهم بگویم این است که این فیله هایی که فهرست نویسان ما یا با سلیقه یا با مشورت و یا با میزگردهایی مثل این و یا به کمک قانون توانستند به دیگران به صورت دست نامه، بخش نامه و یا نشست بقبولانند به گمان من نظم علمی ندارد. به ناچار فهرست نویسان قدیم ما پذیرفتند که فهرست یک کتاب خطی دارای دو بخش اصلی است، که عبارتند از کتاب شناسی و نسخه شناسی. در ابتدا عده ای منکر این بودند فهرست یونان قدیم به کتاب شناسی معتقد بودند و هر چیزی که از نسخه شناسی در می رفت احتمالاً در بافت خاصی قرار نمی گرفت و با یکدیگر آمیخته بود که به تازگی این تفکیک پذیرفته شده است، به عنوان نمونه کار برگه کتابخانه ملی دورو دارید یک طرف آن نوشته شده است کتاب شناسی و طرف دیگر آن نوشته شده نسخه شناسی. فهرست نویس هم راحت می تواند این را مشخص کند. استاد افشار در چند مورد از راهنمای کتاب و فهرست مجلس و نسخه های خطی و آخر هم در بخارا آن دو صفحه و یا آن دو بخش نسخه شناسی و فهرست شناسی را دوباره به عنوان پیشنهاد چاپ کردند که به گمانم آن هم یک مشکلی دارد. از شما سؤالی را می پرسم. اگر کتابی ۲۵ ریال خریداری شده است این به کتاب شناسی چه ربطی دارد؟ چه

جعفری مذهب:

این فیلهایی که

فهرست‌نویسان ما یا با

سلیقه یا با مشورت و یا با

میزگردهایی مثل این و یا به

کمک قانون توانستند به

دیگران به صورت

دست‌نامه، بخش‌نامه و یا

نشست بقبولانند به‌گمان

من نظم علمی ندارد.

تغییری در موضوع و تعریف و تاریخ کتاب می‌دهد؟ مجبوریم این موضوع را در نسخه‌شناسی جای بدهیم این چه ربطی به نسخه دارد؟ به جلد و کاغذ و مرکب و صحافی آن مربوط است؟ مجبوریم در این قسمت بخش‌های دیگری را هم بازکنیم. یک مسأله دیگری که از علمی نبودن این کار صحبت می‌کند و من فقط به عنوان یک کاربرگ ارجاع می‌دهم، فکر می‌کنم تنها فهرستی که تا حدی به صورت منطقی نوشته شده و ضعیف‌هایی هم داشت فهرست مرحوم بیانی بود که ناتمام ماند. فهرست ناتمام فهرستی بود که وقتی یک کتاب را باز می‌کرد تا روی کتاب را نمی‌دید به سراغ پشت کتاب نمی‌رفت تا اندازه و رنگ و جلد کتاب را نمی‌گفت به سراغ پشت آن نمی‌رفت تا پشت آن را نمی‌دید به سراغ عکس آن نمی‌رفت تا تمام اینها را نمی‌دید، کتاب را باز نمی‌کرد. درست مثل وقتی که ما می‌خواهیم جنس بخریم، همان طور که شما وقتی به نمایشگاه کتاب می‌روید و می‌خواهید یک کتاب را باز کنید تمام کتاب را که نمی‌خوانید، بلکه به فهرست آن مراجعه می‌کنید.

در آن زمان فهرست‌نویس تا داخل کتاب را نمی‌گفت به سراغ کاغذ نمی‌رفت تا جنس و اندازه و رنگ کاغذ را نمی‌گفت به سراغ صفحه بعد نمی‌رفت. درست مانند کسی که می‌خواهد به خانه کسی برود، و از روی پلاک خانه می‌فهمد که اینجا خانه اوست در می‌زند و آن را باز می‌کند. همین طوری که بی‌اجازه وارد اتاق او نمی‌شوید. برخی از فهرست‌نویس‌های ما همین طوری وارد اتاق می‌شوند. بدون توجه به این که این خانه در روزنگ دارد. همان چیزی که من در فهرست ناتمام می‌توانم بگویم. متأسفانه اسم زیبایی هم دارد. فهرست ناتمام. پیشنهاد من این است. به نظر من یک فهرست باید بخش داشته باشد. نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی فقط می‌تواند دو بخش از این باشد. بخش‌های دیگر مجهول مانده است. در مورد بخش‌های غیر علمی فهرست‌ها مثال‌هایی می‌زنم. در همین فیلهایی که همه پذیرفتند. این فهرست برای استاندارد و رحیمی و عظیمی فرق ندارد. آنها فهرست می‌کنند. برای این کتاب چه رنگی می‌گذارید؟ آبی؟ سرمه‌ای؟ نیلی؟ این علمی نیست. بعد از ۱۰۰ سال که نوبه این کتاب بخورد بر اثر تابش نور رنگ آن تغییر می‌کند. رنگ نخودی بی‌ربط است. نخودی. تمام کاغذها نخودی است. این که نشد حرف. اگر شما می‌خواهید علمی کار کنید باید استاندارد رنگی داشته باشید و زیر آن بگذارید و بگویند مثلاً این نسخه دین با یکی از دین‌ها باید کار کنید همان طوری که با مارک می‌خواهید کار کنید و گرنه رنگ نخودی رنگی است که تنه به تنه قهوه‌ای می‌زند. ما از کجا بفهمیم نخودی دقیقاً چه رنگی است؟ شما چرا این مشخصات را به ما می‌دهید؟ چرا مشخصات سطر و جلد را به ما می‌دهید؟ برای این که اگر کتابی از وسط نصف شد و نصف آن در این کتابخانه بود و نصف دیگرش در آن کتابخانه، بتوانم در مورد نسخه‌ای که از اول یا آخر ناقص است و یا اصلاً سه بخش دارد، از روی طول و تعداد سطر و اندازه صفحه، حتی اگر ممکن باشد که اندازه صفحه کم باشد و گاهی اوقات هم به دلیل دیگری زیاد شود، طول و عرض وسط را می‌دهیم برای این که اگر من بخوام دنبال نسخه دیگری را با همین رنگ کاغذ و مرکب و اندازه و طول و تعداد سطر بگردم، بدانم این مربوط به کدام نیمه کتاب است یا بخش دوم و یا سوم آن است. در مورد قطع رحلی؛ این قطع ممکن است در عرض ۱۰ سال در جمع طول و عرض اختلاف داشته باشد، که گاهی اوقات بر چند سانتی متر می‌رسد. ممکن است قطعی با چند سانتی متر اختلاف باز هم رحلی خوانده شود و یا اینکه با چند سانتی متر اختلاف قطع جیبی خوانده شود. اینجاست که باید بگویم اگر می‌خواهید فهرست‌نویسی شما علمی باشد باید از سیستم متریک و اصطلاحات علمی و واحدهای استاندارد استفاده کنید فقط نباید در داده‌ها باشد. اینها اصلاً دور از دسترس نیست.

واحدهایی که شما به کار می‌برید باید واحدهای علمی باشد. یعنی اگر در تمام دنیا این رنگ را می‌دهید آن رنگ را بفهمند و گرنه من مخصوصاً به رنگ نخودی اعتراض دارم. کاغذ ما بخارایی است. چه کسی می‌تواند ثابت کند بخارایی نیست؟ من هم قبول دارم این‌ها همه تجربی است.



آزاده:
استانداردها چه بپذیریم و چه نپذیریم، موجی است که جامعه را فراگرفته است. بحث استاندارد و رفتن به سمت یک فهرست برگه استاندارد یک الزام است. بحث آن در زمینه متدولوژی نسخه‌شناسی نیست. بندها از دل فهرست مشترک درمی‌آید.

من نمونه رنگ می‌خواهم. گفتم شما خط‌کش در اختیار تمام فهرست‌نویس‌ها هست و میلی‌متری اندازه بدهیم، دیگر نباید و جب‌کنیم.

آزاده: من از بحث‌هایی که دوستان فرمودند به عنوان یک کتابدار بسیار استفاده کردم و به این نتیجه رسیدم که ما از طریق userها به نتیجه رسیده‌ایم. زمانی که در کتابخانه مجلس بودیم، یکی از همکاران به ما مراجعه کرد و در مورد موضوع خاصی مطلب خواست. در پاسخ شنیدیم که هیچ پایگاهی در مورد آن نداریم. اما هنگامی هم که پایگاه نیم‌بند را درست کردیم، در رده پزشکی در مورد حجامت و در رده کشاورزی در مورد دامپروری، مطلبی را نتوانستیم پیدا کنیم. بنابراین ما از طریق userها به نتیجه رسیده‌ایم و این جلسه فتح باب این قضیه و نیاز است. اگر در بین کتابدارها در مورد سیستم استانداردسازی نیازی ایجاد نشده بود، قطعاً اساتید، ما را نمی‌پذیرفتند. به هر حال چالش‌هایی در این قضیه وجود داشته است و به این سمت حرکت می‌کند. دوستان زحمت کشیدند و در این مورد بحث‌های مفصل علمی را بیان کردند. کتابداران قطعاً قصد ورود به حوزه نسخه‌شناسی، متدولوژی و تغییر آن را ندارند و ما از طریق نیاز کاربران به این حوزه رسیده‌ایم و بحث استانداردها، جهانی است و تنها مربوط به حوزه فرهنگ نمی‌شود. سیستم استانداردسازی در مورد کتابخانه‌ها، نسخ خطی و میزان تصادفات هم وجود دارد و پروتکل‌هایی در مورد زمینه‌های مختلف چون تغذیه، فقر مطلق، فقر نسبی و وجود دارد که نتیجه اجماع جهانی است و اگر اشکالی در این مورد برخی حوزه‌ها به چشم می‌خورد به خاطر عدم اجماع جهانی در مورد آن پدیده است.

ما در ارتباط با استانداردها و به خصوص بحث کار برگه‌های آستان قدس رضوی به انصاف باید گفت که فیلدهای زیادی دارد، ولی اجماع فهرست‌نگاران باید معطوف به این قضیه باشد. در زمینه مستندسازی سرعنوان‌های موضوعی دچار مشکل هستیم و در ذخیره و بازیابی نیز مشکل داریم. وقتی که فردی به دنبال نسخه‌ای در زمینه طب یا علوم غریبه است، رمل و اسطرلاب را به عنوان واژه‌های کلیدی بررسی می‌کند و بر این اساس مجبور است نسخه‌های زیادی را ببیند. ما در نظر داریم که جامعیت و مانعیت در سیستم‌نمایه‌سازی در نظر گرفته شود. کاربرد در مورد اینکه در بلوک ما چه چیزهایی قرار دارد، کاری ندارد و چیزی نمی‌داند او می‌خواهد ارجاعات درست باشد و به مطلب مورد نظرش دست یابد.

استانداردها چه بپذیریم و چه نپذیریم، موجی است که جامعه را فراگرفته است. بحث استاندارد و رفتن به سمت یک فهرست برگه استاندارد یک الزام است. بحث آن در زمینه متدولوژی نسخه‌شناسی نیست. بندها از دل فهرست مشترک درمی‌آید. مصحح می‌داند از این نسخه در جست‌وجوی نمایه چه چیزی را باید دنبال کند. برای مصحح هم این فرآیند خوب است زیرا او به دنبال مقابله می‌گردد به عنوان نمونه در کتابخانه مجلس یک کتاب را درست فهرست نکرده بودیم و فردی با مقابله‌سازی ما را متوجه این نکته کرد که دو نسخه از همان کتاب را در کتابخانه دیدم و تصحیح آن اشتباه بوده است. بحث فهرست‌نگاری از لحاظ اقتصادی و هزینه هم به سود ماست. نگاه ما به استانداردسازی یک نگاه سیستمی است، دوستان در جلسه عنوان کردند که سلیقه را وارد سیستم کنیم، این بحث شاید local باشد اما علمی نیست. مدل ما به عنوان یک آنالیز نمی‌تواند هر غذایی را بپذیرد. این بحث در مورد سیستم استاندارد نیز صادق است. بنابراین ورودی‌ها حتماً باید یکسان باشد باید در فیلدها به یک اجماع رسید، شاید ۱۰۰ فیلد اضافی هم داشته باشد که نظر یک استاد است.

کاری که مارک و رایانه می‌کند. کار یک جعبه سیاه است. منتهی و روی آن فود اگر درست نباشد، feedback هم نادرست است. پس فرمت ورودی اشیا این است که پژوهشگر در مقاله‌اش به این مسئله اشاره می‌کند که مثلاً منبعی در این زمینه نبوده است و یا اطلاعات منبع نادرست بوده است. در حوزه نانو تکنولوژی

آزاده: و بیوتکنولوژی بحث تصادف، تغذیه، آمار خودکشی در ۱۰۰ هزار نفر همه چیز به سمت استاندارد پیش می‌رود. استاندارد به این معناست که از لحاظ جامعه علمی و تولید علم در چه حدی باید باشیم. ASI یک سیستم استاندارد بین‌المللی است. اگر بخواهیم در زمینه فقر مطلق و یا مسائل جمعیت‌شناسی آماری ارایه کنیم، باید به استانداردهای آن مراجعه کنیم و وضعیت خود را بررسی کنیم. این بحث‌ها درست است که در همه زمینه و فیلدها کار شود. اما همه اینها را باید به فال نیک گرفت و برای من به عنوان یک کتابدار افتخار است که در این جلسه در حضور اساتید حضور دارم و بحث استاندارد هم یک الزام است ولی باید به اجماعی از طریق اساتید رسید. نه با این جلسه بلکه باید کمیته استاندارد نسخ خطی را با حضور همین اساتید تشکیل داد.

افکاری: متشکرم؛ قطعاً تصارب‌آرایی که در این جلسه صورت می‌گیرد، نقطه‌شروعی برای این کار خواهد بود. **محمدی فر:** با توجه به اینکه نرم‌افزار کتابخانه ملی در حال تولید است و این نرم‌افزار هم یونی مارک است و این قابلیت را دارد که فیلدها را به شکل کاملاً ریز نشان دهد. هر چه فیلدها ریز شوند، خروجی جست و جو‌هایی که از آن گرفته می‌شود، دارای دید کاذب کمتری است و خروجی‌های چاپی به دلخواه کاربر نزدیک خواهد شد. من پیشنهاد می‌کنم که با متولی‌گری کتابخانه ملی کمیته‌ای برای استاندارد کردن فیلدهای نسخ خطی تشکیل شود و این را باید به صورت لازم الاجرا یا پیشنهادی و اجرا به شرکت‌هایی نرم‌افزار تولید می‌کند و یا کار فهرست‌نویسی موارد و مستندسازی را انجام می‌دهند، ارجاع داده شود.

افکاری: پیشنهاد بسیار خوبی است و از اساتید تشکر می‌کنم و درخواست می‌کنم نتیجه برخی مباحث در این حوزه را حتماً رویت نمود و نظرات‌شان را اعلام کنند. از جناب آقای حافظیان بابلی خواهش می‌کنم در مورد فهرست جدید کتابخانه مرعشی و تغییراتی که در تقسیم‌بندی باب‌ها و فصول کتابشناسی و نسخه‌شناسی و برافزوده‌هایی که به خصوص از جلد ۳۰ به بعد اعمال شده، توضیح دهند. و هم‌چنین در مورد رویکرد جدید که آیا این تغییرات نتیجه پیشنهادات فهرست‌نویسان بوده است و یا فرصتی ایجاد شده تا در این جهت حرکت کنید.

حافظیان بابلی: به این نتیجه رسیدیم که بحث در حوزه نسخه‌های خطی می‌تواند گسترده و فعال باشد. برخلاف نظراتی که برخی مطرح می‌کنند که حوزه نسخه‌های خطی در دهه‌های اخیر با بحران و بن‌بست مواجه شده است، دریافتیم که حوزه نسخه‌های خطی، فعال و زنده به حرکت خود ادامه می‌دهد و ما از قائلان به افتتاح بحث در این باب هستیم و نظریه انسداد علم در حوزه‌های خطی را مبتنی بر نظریه‌های غیر واقعی، ارزیابی می‌کند.

گسترده‌گی بحث در کتاب، کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی از جمله برکات اسلام عزیز است که تمدنی کتاب محور را بنا کرده است. بسیاری از علوم اسلامی حول محور قرآن شریف و سنت شکل گرفته است. و از قرن دوم بین مسلمانان، کتاب‌نویسی با تمسک به حدیث معصومین که «قید العلم بالکتاب» آغاز شده است و گسترش یافته است و در قرن سوم، کتابخانه‌های بزرگی در موضوعات مختلف حدیث، فلسفه، تاریخ و حتی علوم تجربی و ریاضی ایجاد شده است و تدریس این کتب و خواندن نسخه‌های اهل فن، تصحیح و اجاره گرفتن، ادامه یافته است و توانسته فرهنگ و تمدن بزرگی را به یادگار بگذارد. در اینجا جا دارد از زحمات تمام فهرست‌نگاران و کتاب‌شناسان که با تحمل رنج‌های بسیار در مسیر معرفی و احیای میراث علمی و فرهنگی گام‌های بزرگی برداشتند، تقدیر و تشکر کنیم. و از مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی که با نگارش الذریعه حق بزرگی بر کتاب‌شناسان و نسخه‌شناسان دارند. هم‌چنین آیت الله مرعشی نجفی که گنجینه بزرگی از مخطوطات اسلامی را در قم بنا کردند و مرحوم بزرگانی که ما از آثارشان بهره‌مند هستیم. از جمله مرحوم آقای ولایی، مرحوم استاد عبدالعزیز طباطبایی و مرحوم دانش پژوه.

حافظیان بابلی:
به عقیده من این است که
برخی از فهرست نگاران
غربی به نسخه خطی به
چشم یک کالا نگاه می کنند
اما فهرست نگاران
اسلامی به نسخه خطی با
این دید نگاه نمی کنند و
نسبت به نسخه ها دید
دیگری دارند

کتابخانه آیه... مرعشی همان طور که فرمودید از جلد ۳۰ به بعد روش دیگری را اتخاذ کردند و در این روش جدید اطلاعات بیشتری نسبت به فهرست های قدیم ارائه می دهند و به نظر من که خودم را یکی از استفاده کنندگان و مراجعان آن فهرست می دانم، فهرست های جدید نسبت به فهرس قدیم بهتر و جامع تر است. تا این حد می توانم نظر شخصی خود را عرض کنم. من دوست دارم که برخی از سوالات دکتر جعفری مذهب را پاسخ دهم. اگر اجازه بفرمائید. در ابتدا باید بگویم که بزرگان فرمودند: «حسن السؤال نصف الجواب» برخی از اطلاعاتی که ایشان بر مبنای آن ها سوالاتشان را مطرح کردند، اطلاعات نادرستی است. ایشان فرمودند نسخ خطی فقط یک بار فهرست می شوند و نسخه خطی سراغ ندارند که دوبار فهرست شده باشد. باید عرض کنم که ما کتابخانه ای را سراغ داریم که سه بار فهرست شده است و این اتفاق افتاده است کتابخانه مسجد اعظم یک بار توسط آیت... استادی فهرست شد و بار دیگر توسط دوستانمان جناب آقای طیار مراغی و حسن زاده مراغی فهرست مفصلی تنظیم شده است که کارهای فنی نگارشی آن چند سال است که به پایان رسیده است. کتابخانه آیه... گلبایگانی یک بار توسط استاد اشکوری بار دوم آقای استادی و برای بار سوم آقای عرب زاده آن را فهرست کرد و برای بار چهارم یک فهرست تفصیلی و فنی آن توسط بنده و یکی از دوستانم تهیه شده است. کتابخانه آستان حضرت عبدالعظیم را مرحوم، استاد دانش پژوه به صورت اختصاری فهرست کردند و بار دیگر من به صورت تفصیلی فهرست کردم و این فهرست منتشر شده است و این که چرا گاهی این اتفاق می افتد به این دلیل است که ما به عنوان فهرست نگار گاهی که وارد محلی می شویم و با تعدادی نسخه برخورد می کنیم، فرصت و وقت و امکانات نداریم و باید چند لیست از این نسخ تهیه کنیم. من چند روز قبل در یک کتابخانه نیمه عمومی در مشهد حدود ۲۰۰ نسخه خطی دیدم که تعداد متناهی از آنها به خط علمای شیعی بود و تعدادی از آنها مربوط به قرن هفتم و هشتم بود برخی از آنها چاپ نشده و در مورد برخی دیگر در کتاب شناسی ها و منابع اسمی به میان نیامده است و لی من صبح تا غروب وقت داشتم اینها را ببینم حال آیا من لیستی از اینها تهیه کنم یا خیر؟ یکی از تفاوت های فهرست نگاری غربی و شرقی به عقیده من این است که برخی از فهرست نگاران غربی به نسخه خطی به چشم یک کالا نگاه می کنند اما فهرست نگاران اسلامی به نسخه خطی با این دید نگاه نمی کنند و نسبت به نسخه ها دید دیگری دارند استاد انوار فرمودند که فهرست نگار باید تفاوت فتاوی شهید اول در کتاب دروس و لمعه را بداند و بگوید. من عرض می کنم که این تخصص هایی که شما از جمله مهارت های فهرست نگاران می دانید که باید آنها را کسب کند و بعد فهرست نگاری کند به نظر من حداقل یک عمر ۲۰۰ ساله برای فهرست نگار می طلبد. دروس فقه را به جایی برساند که بتواند تفاوت نظرات شهید را در دروس و لمعه بفهمد. محض اطلاع استاد انوار عرض می کنم که دوست عزیزمان جناب آقای مختاری بعد از چند دهه کار در مورد کتاب های شهید اول و ثانی تنها کسی هستند که می توانند تفاوت فتاوی شهید را در کتاب های او مطرح کنند. به دلیل اینکه چندین سال کار ایشان این بوده است که تفاوت کار شهید اول و ثانی را بررسی کند من به عنوان یک فهرست نگار از آقای مختاری می پرسم که تفاوت میان کتاب دروس و لمعه چیست؟ ایشان به من می گویند و من استفاده می کنم. چه اشکالی دارد؟ من نمی توانم هم فقیه باشم تا تفاوت آرای فقها را به تفصیل بدانم و رنگ ساز باشم که تمام خصوصیات رنگ ها و کاغذها را بیاموزم با همین امکانات و اطلاعاتی که داریم چه قدر می توانیم کار کنیم. من فکر می کنم هم فهرست نگاران گذشته و هم امروز به قدر توان و همتشان خوب کار کردند و باید از کار آنها تقدیر و تجلیل شود. افکاری: من فکر می کنم این تفکر یا توقع ناشی از این است که فهرست نویسان و قدمای گذشته ما ذوالفنون و یا جامع العلوم بوده اند و استاد از آن جایی که خودشان نیز به این هنر آراستند شاید این انتظار از ما دارند که در حوزه های مختلفی مانند ایشان باشیم. ای کاش ایشان در آثار خودشان این امورات را به کار



مسعودی:

اگر قرار است واقعاً کاری انجام دهیم باید تعصب را کنار بگذاریم. چه بخواهیم با یونی مارک کار کنیم و چه با یواس مارک. باید ببینیم که کدام قسمت بیشتر در کتابخانه‌های ما جواب می‌دهد. نه اینکه کدام ارجح است.

می‌بردند تا ما از آنها استفاده می‌کردیم. تمام این مطالبی که می‌فرمایند.

انوار: در فهرست هم تا آن جایی که توانستم این امر را رعایت کردم و این کار را به اندازه وسع انجام دادم. منتهی شما در کتابخانه ملی که قبلاً نبودید، هفت سال فهرست مرا نگه داشتند چون مدیرکل آن عوض شده بود. آقایان می‌دانند. این که آقای منزوی فرمودند که، محظوراتی داشتیم این دفاع خودمان نیست من اصلاً فهرست‌نگار هم نیستم. ولی می‌خواهم بگویم این محظورات هم بود.

افکاری: ممنونم از شما استاد. بسیار استفاده کردیم. ما در اینجا از انواع فهرست‌نویسی نسخ خطی استفاده کردیم، جا دارد که درباره فهرست‌نویسی و اهمیت کتب چاپ سنگی نیز بحث مختصری انجام شود در اینجا از سرکار خانم مسعودی که کار برگه فهرست‌نویسی کتب چاپی سنگی استاندارد در ایران را تهیه کردند، و در واقع موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد نسخ خطی ایشان تهیه فهرست کتابهای چاپ سنگی دانشکده ادبیات بوده است می‌خواهم تا اطلاعاتی درباره تهیه برگه فهرست‌نویسی استاندارد چاپ سنگی در اختیار دوستان قرار دهند. من فکر می‌کنم حداقل در حوزه چاپ سنگی ایشان بتوانند با در اختیار گذاشتن این کار برگه‌ای که مدت‌ها در تهیه آن زحمت کشیدند کمک بزرگی در تدوین فهرست‌های دیگر چاپ سنگی انجام دهند.

مسعودی: پیشنهادی که به این جمع دارم این است که اگر قرار است واقعاً کاری انجام دهیم باید تعصب را کنار بگذاریم. چه بخواهیم با یونی مارک کار کنیم و چه با یواس مارک. باید ببینیم که کدام قسمت بیشتر در کتابخانه‌های ما جواب می‌دهد. نه اینکه کدام ارجح است. الان، با این سیستمی که داریم چه قسمتی جواب می‌دهد. آن را به کار بگیریم تا هر چه زودتر به هدف برسیم و کار را در آن قالب بریزیم و اطلاع‌رسانی کنیم.

عمرانی: سؤال من دقیقاً همین بحثی است که شما شروع کردید. یکی از مسائل ما همین است.

آیا کتاب‌های چاپ سنگی به کتاب‌های خطی نزدیک‌ترند یا کتاب‌های چاپی؟

من این سؤال را به کتابخانه کنگره و آکسفورد فرستادم یک جواب دقیق ندارم من را به منابع موجود ارجاع می‌دهند یعنی مثل سابق نمی‌گوید چاپ سنگی، نسخ خطی. تمام این چاپ‌های سنگی را به نسخ خطی نزدیک کرده است. ما هم به تبع آن در نرم‌افزارهای دانشگاه تهران نسخ خطی و چاپ سنگی را به هم نزدیک می‌کنیم ولی این واقعاً برای من سؤال بود و شما هم به همین رسیدید.

افکاری: اجازه بفرمائید نظر اساتید را نیز در این زمینه بدانیم.

انوار: من چاپ سنگی را به فهرست خطی نزدیک‌تر می‌بینم و ما در کتابخانه ملی این کار را در باره ری کوب کردیم که البته از ابتدای چاپی که از زمان فتحعلی شاه گرفته شد تا ۱۳۰۰ ما این‌ها را سنگی می‌دانیم. اول به صورت سربی بوده است. یعنی اسد آقا با سربی کار می‌کرد و زین العابدین هم با سربی کار می‌کرد و با این روش ۱۰، ۱۵ کتاب چاپ کردند و چون اشتباهات زیادی داشت نسخه را سنگی کردند تا ۱۳۰۰ قمری. ما هم می‌خواستیم این‌ها را به نام ری کوب چاپ کنیم که با انقلاب مواجه شد و آن کسی هم که مسبب این کار بود این کار را رها کرد. ما آنجا مبنای روش فهرست‌نویسی نسخ خطی گذاشتیم چون برخی از کتاب‌ها ویژگی‌های نسخ خطی داشتند مثلاً حواشی، جدول و غیره.

عظیمی: الان ما هم در کتابخانه ملی کتاب‌های ناظر را با کتب خطی نزدیک می‌کنیم

افکاری: در کتابخانه مرکزی هم دقیقاً همین طور است و بر اساس برگه‌های فهرست‌نویسی نسخ خطی و ویژگی‌های نسخه‌شناسی کتابهای چاپ سنگی فهرست و توصیف می‌شوند. در پایان از حضور تمامی اساتید بزرگوار، متخصصان و نسخه‌پژوهان و مسئولینی محترم که در این جلسه حضور یافته و ما را در برگزاری هر چه بهتر این میزگرد یاری فرمودند سپاسگزارم.